



# خبرنامه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

دوره جدید، سال پنجم، شماره چهل و هفتم، تیر ۹۷

دکتر قبادی: ظرفیت‌های مکتوم پژوهشگاه باید به فعلیت برسد  
نشست کمیته علمی همایش بین‌المللی «شمس و مولانا»  
گزارش اولین جلسه شورای سیاستگذاری سومین کنگره بین‌المللی «امام علی (ع) پژوهی»  
تجلیل از برندگان جوایز پژوهشی سال در جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه

## سخنرانی‌ها و نشست‌های علمی

نگاهی به تأثیر فرهنگ و ادب ایرانی بر جهان مالایی

نقد و معرفی «فرهنگ مترجم»

بررسی تأثیر تحولات سیاست خارجی بر امنیت اقتصادی جامعه ایران

تعمیم‌گرایی در ادبیات سبز به مثابه راهکار در اخلاق زیست محیطی

عشق و خانواده

بحثی در باب انگاره مدرن شهروندی از منظر فلسفه سیاسی

فرهنگ‌نامه‌نویسی در ایران؛ یادبود سالروز درگذشت دکتر محمد معین

همکاری‌های بین‌رشته‌ای تاریخ و باستان‌شناسی

نقد ادبی و مکتب‌های آن

ارمنیان و کردها در سال‌های جنگ جهانی اول

دکتر قبادی در جلسه مدیران گروه‌های پژوهشی:

## ظرفیت‌های مکتوم پژوهشگاه باید به «فعالیت» برسد



روز یکشنبه، ۲۴ تیرماه ۹۷ جلسه‌ای با حضور رئیس، معاونان و مدیران گروه‌های پژوهشی و ستادی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به منظور افزایش بهره‌وری و ارتقاء جایگاه مدیران گروه‌های پژوهشی پژوهشگاه‌ها تشکیل شد.

در این جلسه، دکتر قبادی ضمن عرض خیرمقدم به حاضران و تبریک میلاد پربرکت حضرت معصومه (س) سخنان

خود را با موضوع «برنامه دوم توسعه پژوهشگاه: دانیایی‌محوری و نقش مدیران گروه‌ها» آغاز کرد و گفت: «جلسه امروز در نوع خود اولین نشست در پژوهشگاه به شمار می‌رود. پژوهشگاه در کنار همه نقاط قوتی که دارد ظرفیت‌های فراوان مکتومی دارد که می‌تواند به فعالیت برسد. در این خصوص می‌توان به یک لایه مهم در مدیریت پژوهشگاه، یعنی مدیریت گروه‌ها اشاره کرد که تا حدودی مغفول مانده است. بی‌شک به فعالیت رساندن این توانمندی‌ها می‌تواند به رؤسای پژوهشگاه‌ها و مدیریت پژوهشگاه در تحقق اهدافمان کمک شایانی برساند. در حقیقت میدان دادن به مدیران گروه‌ها، بسط دانیایی در پژوهشگاه است که شاید حلقه اصلی و بنیادی نظام دانیایی در گروه‌ها، مدیران گروه‌ها و اعضای هیأت علمی نهفته است. در مجموع باید کاری کنیم این جلسه سرآغاز نیکی برای بالندگی و شکوفایی پژوهشگاه باشد.»

در ادامه دکتر قبادی نکاتی را برای مدیران گروه‌ها به عنوان یک نهاد، به صورت خلاصه ارائه کرد تا دست‌مایه‌ای برای برخورداری از راهنمایی‌ها و اندیشه‌های عالی در چهارچوب مدیریت دانش باشد که اهم آنها در ذیل آورده شده است:

- بدون افزایش نقش مدیران گروه‌ها، راهبری عالمانه و راهبردی در ارتباط با اجرای برنامه توسعه ممکن نیست.

- تقسیم کار علمی باید به اقتضای ویژگی‌های علمی درونی و بیرونی باشد.

- پژوهشگاه بدون کمک مدیران گروه‌ها موفق نمی‌شود و در حقیقت ما قصد داریم به رؤسای پژوهشگاه‌ها کمک کنیم تا با بهره‌گیری بهتر از توانمندی‌های پژوهشگاه به سوی آینده‌ای روشن‌تر حرکت کنیم.

- باید نگاه آینده‌نگرانه داشته باشیم. نگاه آینده‌نگرانه باید از بدنه بجوشد و مدیران گروه‌ها هم متکی به اعضای هیأت علمی باشند.

- مأموریت‌گرا بودن پژوهشگاه بیشتر مورد توجه قرار گیرد؛ لازم است پژوهشگاه ان‌شاءالله از آغاز برنامه دوم توسعه راهبردی پژوهشگاه، یعنی سال ۱۳۹۸، در سطح جامعه و سطوح کلان و ملی و عرصه سیاست‌گذاری‌ها، به‌ویژه گستره آموزش عالی و نیازهای اجتماعی نقشی مؤثرتر مبتنی بر مدیریت دانش داشته باشد.

- نظام ارزیابی مدیریت درون‌سازی شود؛ زیرا احساس مشارکت و سهیم بودن در فرایند مدیریت، موجب می‌شود وظایف به شکل منطقی‌تر انجام شود. به جای اینکه نظارت بیرونی داشته باشیم، نظارت درونزای طبیعی خواهیم داشت.



- ارتباطات کارفرمائی ارتقاء یابد؛ مدیران گروه‌ها می‌توانند در ترویجی سازی علم و کاربردی سازی پایان‌نامه‌ها و رساله‌های دانشجویی، احساس مسئولیت بیشتری کنند و موضوع طرح‌ها با توجه به مشکلات و چالش‌های اجتماعی انتخاب شود.

- کشف ظرفیت‌های جدید، خلق دانش و فرصت‌سازی به وسیله افزایش مشارکت گروه‌ها ممکن خواهد شد.

- رونق فعالیت‌های بین‌رشته‌ای با برگزاری نشست‌های مختلف، تقویت سیاست‌های انگیزشی، توسعه بانک‌های اطلاعاتی و کتابخانه‌های مجازی امکان‌پذیر است.

- فرصت‌سازی برای افزایش مطالعات داخلی و خارجی مورد توجه قرار گیرد. در این حوزه از دفتر روابط بین‌الملل گرفته تا سایر حوزه‌ها می‌توانند ایفای نقش داشته باشند. پژوهشگاه حتی در برگزاری دوره‌های پسادکتری هم ظرفیت بالایی دارد.

- مدیران گروه‌ها اگر بیش از گذشته به صحنه بیایند، می‌توانند به افزایش کیفیت انتشارات و محصولات علمی پژوهشگاه کمک کنند. استقرار نظام دانایی‌محوری و خردورزی جز با حضور فعال مدیران گروه‌ها امکان‌پذیر نخواهد بود.

با در نظر داشتن اقدامات یادشده باید تلاش کنیم نظام رتبه‌بندی وزارتی و رتبه‌بندی بین‌المللی پژوهشگاه ارتقاء یابد.

ان‌شاءالله خداوند بر توفیقات شما بیفزاید و بکوشیم با همدلی عالی با رؤسای پژوهشکده‌ها، مدیران ستادی و معاونان در جهت رسیدن به اهداف متعالی پژوهشگاه یک گام به جلو برداریم».

در این جلسه یکی از کارشناسان آموزش عالی نیز با موضوع «شرح وظایف مدیران گروه‌ها؛ تعامل مدیران ستادی با مدیران گروه‌ها؛ تجربه موفق برخی از دانشگاه‌ها را تجزیه و تحلیل کرد و حاضران در جلسه به بحث و تبادل نظر پرداختند.



دکتر قبادی در دومین نشست کمیته علمی چهارمین همایش بین‌المللی شمس و مولانا:

## ما مسئولیم از میراث‌های مشترک ایرانی-اسلامی، همچون «شمس تبریزی» صیانت کنیم



دومین نشست کمیته علمی چهارمین همایش بین‌المللی «شمس و مولانا» روز ۱۷ تیرماه ۹۷ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. در ابتدای نشست، دکتر حسینعلی قبادی،

رئیس شورای سیاستگذاری همایش، ضمن عرض خیرمقدم به حاضران گفت: «اگر ملتی هوشمندانه به توسعه خود بیاندیشد، باید در اولین گام به خودشناسی خود پردازد که در این خودشناسی، میراث‌شناسی سهم بسزایی دارد. اگر ما بتوانیم به شایستگی میراث‌هایمان را بازآفرینی کنیم، قطعاً آینده‌ای بهتر از حال خواهیم داشت. بی‌شک همه ملت‌های توسعه‌یافته نیز این راه را رفته‌اند و خوشبختانه در ژرفای تمدن ایرانی-اسلامی سرمایه‌های درخشانی وجود دارد که به ما این نوید را می‌دهد که ایرانیان در طول تاریخ مردمانی، هوشمند، خوش ذوق، توانمند و جهان‌نگر بوده‌اند.»

قبادی تأکید کرد: «شاید بتوان گفت شمس تبریزی یکی از قله‌های پرتالو این میراث عرفانی ما به شمار می‌آید. کسی که آتش به جان جهان و جهان جان مولوی زد و هنوز نورانیت برافروخته و برآمده از شعاع خورشید آن در اقصی نقاط عالم پرتو دارد و روشنی می‌بخشد، به ویژه در جهان کنونی که گاهی شاخص‌های این تمدن به دلیل منافع برخی کشورها به دور از اخلاق مصادره می‌شوند و این هم ضرورت دوجندانی پیش پای ما ترسیم می‌کند که نه تنها به دلیل اخلاقی در برابر نیاکانمان مسئولیم از آثار و آفریده‌های آنها صیانت کنیم؛ بلکه به دلایل عقلی هم مجبوریم از میراث‌هایمان به خوبی صیانت کنیم و در بازآفرینی و بازنمایی قدرت، فکر و توان هنری آنها بکوشیم و گرنه ممکن است با مصادره‌های جدیدی هم مواجه شویم. خوشبختانه همت و انسجام خوبی در سالیان اخیر نزد ایرانیان شکل گرفته که بسیار امیدواریم غبار سوءتفاهم‌ها در مصادره شمس تبریزی تمام شود و بتوانیم از مصادره آن جلوگیری کنیم.»

وی با اشاره به اینکه شمس تبریزی در اوج حملات مغول‌ها توانست از فرهنگ و زبان فارسی پاسداری کند، گفت: «شمس تبریزی به فرهنگ و کشورمان خدمات تاریخی و ارزنده‌ای داشته است و به نوعی این استاد بر گردن ما حق دارد و باید بتوانیم از میراث‌هایش به خوبی صیانت کنیم. شمس تبریزی با تأثیری که بر مولوی و دیگران گذاشت، باعث شد ما امروز سرمایه‌های جاودانی در عرصه‌های فرهنگی و ادبی داشته باشیم که در مجموع ارمغان نفیسی که شمس برای ما به یادگار گذاشت، توانست حلقه‌های واسط پیش از مولوی و پس از مولوی را به هم متصل کند. نسل جوان ما برای شناخت هویت خود نیاز دارد که آثار مفاخر خود را بشناسد و این وظیفه دانشگاهیان و پژوهشگران است که حلقه واسط بین شمس و جوانان باشند. سرچشمه زلال و پاک آثار شمس می‌تواند پاسخگوی نیازها و اضطراب‌های نسل جدید جوانان کشور و حتی جهانیان باشد. البته برخی بدفهمی‌ها به نام اشعار شمس ایجاد شده است که نشانگر کم‌کاری ما در این عرصه است و باید آنها را جبران کنیم و پرچم شمس پژوهی را نه به صورت مقطعی بلکه در دراز مدت به اهتزاز درآوریم و در جهانی که مملو از خشونت شده، پیام صلح و دوستی ایشان را به مخابره کنیم و حتی در زمینه‌های فلسفی نیز آثار شمس تبریزی را مورد تحقیق و پژوهش قرار دهیم.»

در ادامه این نشست، اعضای کمیته علمی با بیان نظرات خود برای برگزاری شکوهمند همایش، بر ضرورت پاسداشت مناسب نام شمس تبریزی تأکید کردند.



## تکریم برندگان جوایز پژوهشی سال در جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه

روز چهارشنبه ۲۷ تیرماه ۹۷ جلسه شورای پژوهشی پژوهشگاه با حضور اعضاء برگزار شد. در این جلسه از چهار عضو پژوهشگاه که آثارشان جوایز مهم سال را به خود اختصاص داده بودند، تجلیل به عمل آمد.

دکتر قبادی در این زمینه گفت: «کسب جوایز پژوهشی واقعاً رخداد خوشایندی برای پژوهشگاه است که توان فرهیختگی اعضای دانشمند پژوهشگاه را نشان می‌دهد، این یک رخداد مبارک است که تاکنون به آن کم توجه شده است، هم از این لحاظ که ورود ما در عرصه‌های ملی تقویت می‌شود، هم از این جهت که موجب می‌شود رنکینگ پژوهشگاه ارتقاء یابد و در مجامع بین‌المللی هم بهتر دیده شویم. موجب خرسندی است که پژوهشگاه وارد فاز جدیدی از فعالیت‌های علمی و پژوهشی خود شده است که امیدواریم آثار آن در مجامع علمی هم بروز و ظهور پیدا کند. ما باید با برنامه‌ریزی‌های مناسب پژوهشی بتوانیم هم در عرصه کتابت و نشر آثار علمی و هم در زمینه افزایش ضریب تأثیر، به‌گونه‌ای عمل کنیم که با ادامه این روند آینده بهتری در انتظار پژوهشگاه باشد. قطعاً در این مسیر وظایف همه اعضای هیأت علمی، تمام ارکان مدیریتی به‌ویژه رؤسای پژوهشکده‌ها و معاون پژوهشی بسیار مهم است.»

در این جلسه از دکتر فاطمه راکعی (دریافت نشان درجه یک هنر از رئیس جمهور محترم)، دکتر نعمت‌الله فاضلی (دریافت عنوان پژوهش برگزیده فرهنگی سال)، دکتر حسین صافی پیرلوجه (دریافت عنوان شایسته تقدیر در جشنواره کتاب سال جمهوری اسلامی و اثر برگزیده دهمین دوره جایزه ادبی جلال) و دکتر سیدمحسن علوی پور (دریافت جایزه نخستین جشنواره پژوهش سینمایی سال) تجلیل به عمل آمد.



# اولین جلسه شورای سیاستگذاری سومین کنگره بین‌المللی «امام علی(ع) پژوهی»

اولین جلسه شورای سیاستگذاری جشنواره بین‌المللی «امام علی(ع) پژوهی» با حضور دکتر حسینعلی قبادی (رئیس پژوهشگاه)، آیت الله سید جمال‌الدین دین‌پرور (رئیس بنیاد بین‌المللی نهج البلاغه)، دکتر سید سجاد علم‌الهدی (رئیس مرکز تحقیقات امام علی (ع))، حجت الاسلام و المسلمین دکتر عبدالحمیدی و رمضانعلی شیرزاد (نمایندگان جامعه المصطفی العالمیه)، دکتر برزگر (نماینده دفتر سیاستگذاری وزارت متبوع)، دکتر مهدی گلشنی (استاد دانشگاه صنعتی شریف)، حجت‌الاسلام و المسلمین دکتر ناصر الهی (معاون پژوهشی دانشگاه مفید)، دکتر سید محمد مهدی جعفری (استاد دانشگاه شیراز)، دکتر رضانی چابک (نماینده پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی)، دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده (معاون اداری، مالی و مدیریت منابع پژوهشگاه)، دکتر علیرضا ملایی‌توانی (معاون پژوهشی و تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه)، محمدعلی معتضدیان (معاون اجرایی مرکز تحقیقات امام علی (ع)) روز سه‌شنبه ۵ تیر ۱۳۹۷ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی با هدف تبیین و تصویب سیاست‌های کلان جشنواره بین‌المللی امام علی(ع) پژوهی برگزار شد.



در ابتدای نشست دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه ضمن خوشآمدگویی به اعضای شورا در خصوص تشکیل جلسه فوق توضیحاتی ارائه کرد. وی هدف از برگزاری این جشنواره را توجه به جنبه‌های انسانی امام علی (ع) دانسته و بازخوانی سیره امام علی(ع) را بر مبنای نیاز و مقتضیات روز ضروری خواند و نهج‌البلاغه را تجربه زیسته بشری بر شمرد که از زبان مردم سخن می‌گوید. قبادی همچنین از امکان ارتباط بهتر جوانان با نهج البلاغه در صورت معرفی درست آن سخن گفت.

در ادامه نشست دکتر سیدسجاد علم‌الهدی ضمن مرور پیشینه جشنواره‌های امام علی(ع) پژوهان در سال‌های گذشته، از اعضای شورای سیاستگذاری درخواست کرد تا در مورد دستورهای جلسه، شامل تصمیم‌گیری در خصوص تصویب زمان‌بندی برگزاری جشنواره، زمان فراخوان آثار، زمان اعلام نتایج، همچنین بررسی و تصویب محورهای مورد درخواست فراخوان و نیز تعیین شعار این دوره از جشنواره به بحث و اعلام نظر پردازند.

سخنران بعدی مراسم، دکتر مهدی گلشنی، در خصوص شعار جشنواره وحدت و صلح گفت: «این گفتمان برای زمان ما اولویت دارد خصوصاً با موضعی که جهان نسبت به دین اسلام گرفته است، ما باید بر این اساس به جهانیان تفهیم کنیم که اسلام دین صلح است». آیت‌الله سید جمال‌الدین دین‌پرور، در مورد شعار جشنواره وحدت و صلح متذکر شد: «باید به موانعی که سر راه وحدت و صلح وجود دارد، پرداخته شود. پیشنهاد وی بررسی موانع وحدت و صلح، ویژگی‌های وحدت‌شکنان، گفتمان صلح و وحدت و زیربنای آنان بود».



همچنین دکتر سید محمدرحیم ربانی‌زاده، نیز برای ارتقاء سطح جشنواره بر سفارش مقاله و داوری دقیق به صورت علمی، پژوهشی در حدی که جایگاه واقعی امام علی (ع) را تبیین کند و با اعلام فراخوان در حاشیه جشنواره که خود سبب شناسایی افراد مستعد و ناشناس در این زمینه می‌شود، تأکید داشتند. دکتر ناصرالهی، با تأیید کلیت مطالب عنوان شده در جلسه گفت: «شعار صلح و وحدت بسیار مناسب امروز بوده و در راستای چالش‌های اساسی که ما با آن مواجه هستیم، قرار دارد. بنابراین باید محورهای کنگره دقیق انتخاب شوند. پیشنهاد وی این بود که محورها از طریق کمیته علمی بررسی شوند سپس به شورای سیاستگذاری ارجاع شود که اگر نیاز به تعدیل و یا تغییری باشد در شورا انجام پذیرد».

دکتر علیرضا ملایی توانی نیز پیشنهادهایی را در خصوص زمان و نحوه برگزاری جشنواره مطرح کرد که عبارتند از: «تفکیک زمان برگزاری جشنواره از مناسبت‌های مذهبی و دینی، تفکیک از گفتمان‌های سیاسی، قرار نرفتن تاریخ‌نگاری قدسی در مقابل تاریخ‌نگاری عرفی به جهت امکان و قابلیت نقد، تأکید بر همکاری با نهادهای علمی غیرسیاسی به جای سازمان‌های سیاسی، نقد آثار منتشره در حوزه امام علی (ع) با تأکید بر آثار مغفول‌مانده، شناسایی شبکه امام علی (ع) پژوهان و در نهایت انتشار دستاوردهای علمی حداقل به دو زبان».

دکتر رضانی چابک، نماینده پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن آنکه عنوان و شعار جشنواره را بسیار مناسب و در راستای اهداف فرهنگی سیاسی فکری نظام دانست پیشنهادهایی ارائه کرد: «دو سالانه بودن جشنواره براساس زمان ثابت شمسی (البته در حاشیه می‌توان از فرصت‌های مذهبی جهت اجرا استفاده کرد)، توجه به سفارش مقاله جهت تضمین اعتبار علمی، فراخوان مقاله جهت عدم غفلت از پژوهشگران گمنام جهان اسلام و تعریف بسته‌ای ویژه جهت معرفی جشنواره».

دکتر عبدالحمیدی، نماینده جامعه المصطفی، ضمن بیان چالش امروز در فضای غرب علیه اسلام و معرفی آن به عنوان دین خشونت و بیان اسلام‌ستیزی و اسلام فوییا در امریکا، گفت: «در تاریخ باید عصمت امام علی (ع) در نظر گرفته شود». وی سپس پیشنهادهای خود مبنی بر توجه به جنبه انسان‌مدارانه در غالب سیره و سنت امیرالمومنین و مرتبط بودن کنگره با مناسبت‌های مذهبی مثل ولادت حضرت (به دلیل شخصیت فرا مذهبی حضرت) را مطرح کرد.

دکتر سید محمد مهدی جعفری، استاد دانشگاه شیراز، نیز این پیشنهادها را مطرح کرد: «عنوان رویداد، همایش یا کنگره به جای جشنواره با شعار وحدت و صلح با زیر مجموعه‌های مرتبط، شناسایی شبکه امام علی (ع) پژوهان مسلمان و غیرمسلمان، تأکید بر شخصیت انسان‌گرایی و فرامذهبی امام علی (ع)، نوشتن تاریخ در خصوص اولیا به صورت عرفی و به شیوه علمی و سپس نتیجه گیری قدسی».

دکتر برزگر، نماینده معاونت پژوهشی وزارت علوم، ضمن بیان اینکه در خارج از کشور حتی از شخصیت‌های موهومی اسطوره می‌سازند، بر توجه به اسطوره‌ها و امکان فراهم آوردن الگو از آنان تأکید کرد و امکان مطرح کردن اسطوره‌های بزرگی نظیر امام علی (ع) را از اهداف اصلی و رسالت این جشنواره برشمرد.

در پایان جلسه موارد زیر مورد تصویب اعضای شورای سیاستگذاری قرار گرفت:

- تغییر کارکرد و عنوان جشنواره به «کنگره بین‌المللی امام علی (ع) پژوهی»؛

- برگزاری کنگره به صورت دو سالانه در نیمه اول شهریور ماه؛

- برگزاری این دوره از کنگره در نیمه اول شهریور ماه ۱۳۹۸؛

- شعار این دوره از کنگره عبارت است از: «بازخوانی گفتمان فرهنگ و صلح در اندیشه و کنش امام علی (ع): رویکرد جهانی، چالش امروز، برنامه‌ای برای فردا».

در پایان مقرر شد کمیته علمی کنگره با حضور اندیشمندان و پژوهشگران مرتبط تشکیل و نسبت به تعیین محورهای علمی کنگره جهت سفارش مقالات برتر به شخصی‌های ممتاز علمی و فراخوان عمومی اقدام شود.

## نگاهی به تأثیر فرهنگ و ادب ایرانی بر جهان مالایی

نشست علمی «نگاهی به تأثیر فرهنگ و ادب ایرانی بر جهان مالایی» روز سه‌شنبه ۲۶ تیرماه ۱۳۹۷، به همت پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی و با سخنرانی پژوهشگران ایرانی و اندونزیایی برگزار شد. در این نشست دکتر محمودرضا اسفندیار (دانشیار گروه ادیان و عرفان دانشگاه آزاد اسلامی واحد یادگار امام خمینی(ره) شهرری)، دکتر فائزه رحمان (عضو هیأت علمی بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، گروه مطالعات شبه قاره هند، شرق و جنوب شرقی آسیا) و پورکان هدایت (پژوهشگر اندونزیایی) در سه بخش مجزا، به توضیح ابعاد مختلف این موضوع در سه دوره تاریخی پرداختند.



در بخش نخست، فائزه رحمان به معرفی جغرافیای سیاسی جهان مالایی و ضرورت و اهمیت بررسی این منطقه در حوزه مطالعات فرهنگی-دینی پرداخت. او جهان مالایی را چنین معرفی کرد: «جهان مالایی (عالم مِلیو) که به نوسانتارا (مجمع‌الجزایر) مشهور است، حدود ۳۰٪ از جمعیت مسلمانان جهان را در خود جای داده است. اغلب مسلمان این منطقه، مالایی تبار هستند و کشورهای برونئی، اندونزی، مالزی، سنگاپور، تایلند جنوبی و فیلیپین زندگی می‌کنند».

بررسی باورها و فرهنگ و تمدن بومی منطقه، نفوذ و تأثیر فرهنگ و تمدن و ادیان هندی در دوران پیشاسلامی در جهان مالایی از دیگر نکات محوری این بخش از نشست بود. رحمان در ادامه بحث، به بیان چگونگی ورود اسلام به این منطقه، بررسی قدیمی‌ترین شواهد تاریخی این امر مهم، نقش عمده صوفیان و بازرگانان به خصوص خاندان‌های ایرانی مهاجر در گسترش اسلام و فرهنگ اسلامی-ایرانی در جهان مالایی و معرفی مهم‌ترین صوفیان ایرانی‌الاصول (ولی سونگو) مالایی که بیش از دیگر صوفیان مالایی، اسلام را در منطقه با تساهل و سازگار با فرهنگ بومی گسترش دادند، پرداخت.

در ادامه دکتر محمودرضا اسفندیار تأثیر فرهنگ ایرانی در دوره اسلامی بر جهان مالایی بررسی و بر این اساس، سابقه حضور ایرانیان و فرهنگ ایرانی در بخش‌هایی از جهان مالایی را تبیین کرد. دکتر اسفندیار در ادامه بحث، به «نقش فرهنگ ایرانی و ادبیات فارسی در تکوین ادبیات مالایی» اشاره و بر «اهمیت تأثیر متون ادبی و تاریخی فارسی بر حکایات تاریخی و تاریخچه‌های مالایی» تأکید کرد. از دیگر مباحث مهم این بخش، تحلیل ادبیات دینی و عرفانی مالایی در دوره اسلامی بود که برای تبیین آن، آراء و اندیشه‌های عرفانی و صوفیانی نظیر حمزه فنصوری، شمس‌الدین سوماترانی و عبدالصمد پالمبانی که به شدت تحت تأثیر فرهنگ و اندیشه صوفیان ایرانی بودند، مورد بررسی قرار گرفت. یکی از نکات مهمی که دکتر اسفندیار در پایان این بخش به آن اشاره کرد، «بررسی تأثیر و جایگاه مهم امام





محمد غزالی در جهان مالایی» بود. در بخش سوم نشست، پورکان هدایت به بررسی تأثیرات فرهنگ و ادبیات فارسی بر جامعه اندونزی پرداخت. او ابتدا تأثیر جریان‌های سیاسی و فرهنگی ایران در چهار دهه اخیر و تأثیر آنها بر جامعه اندونزی را توضیح داد و با ارائه آماری از ترجمه‌هایی که از آثار متفکران ایرانی مانند امام خمینی (ره)، شهید مطهری، دکتر شریعتی و ... صورت پذیرفته است، نشان داد که این تأثیر در دهه‌های مذکور تا چه حد چشمگیر بوده است. او در ادامه به انتشار ترجمه‌های آثار مهم ادبیات فارسی مانند مثنوی مولانا، گلستان سعدی و آثار عطار نیشابوری اشاره و تأکید کرد که این آثار تا چه اندازه بر تفکر اندیشمندان معاصر اندونزی تأثیرگذار بوده است. هدایت همچنین به فعالیت‌های اخیر برخی از علاقمندان به فرهنگ و ادب ایران در معرفی کشور ایران از جمله آثار عقیقه احمد اشاره کرد که در جراید کثیرالانتشار اندونزی به معرفی ایران و فرهنگ ایرانی، جاذبه‌های گردشگری و ویژگی‌های برجسته فرهنگی- ادبی ایران پرداخته است. این نشست با پرسش و پاسخ حضاران پایان یافت.



## انتصاب

دکتر قبادی، رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، طی احکامی دکتر سید روح الله شهابی را به عنوان «سرپرست معاونت مدیریت امور پژوهشی»؛ دکتر سید حسین حسینی سروری را به عنوان «مدیر گروه پژوهشی تمدن اسلامی»؛ دکتر قدیر نصری را به عنوان «رئیس کمیسیون تخصصی علوم انسانی هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر مصطفی عاصی را به عنوان «رئیس کمیسیون تخصصی زبان و ادبیات هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر فروغ پارسا را به «عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر غلامرضا اعوانی را به عنوان «عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر یحیی مدرس تهران را به عنوان «عضو کمیسیون تخصصی زبان و ادبیات هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر یحیی مدرس تهران را به عنوان «عضو کمیسیون تخصصی علوم انسانی هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر زهره زرناس را به عنوان «عضو کمیسیون تخصصی زبان و ادبیات هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر زهرا پارساپور را به عنوان «عضو کمیسیون تخصصی زبان و ادبیات هیأت ممیزه پژوهشگاه»؛ دکتر یوسف محمدنژاد عالی زمینی را به عنوان «عضو شورای راهبردی نظارت و ارزیابی عملکرد»؛ دکتر بهروز دری را به عنوان «دبیر علمی جشنواره ملی علوم انسانی، تولید ملی و صنعت» و دکتر طاهره ایشانی را به سمت «مسئول دفتر کرسی‌های مناظره نقد نظریه‌پردازی و آزاد اندیشی و قطب‌های علمی پژوهشگاه» منصوب کرد.

## گزارشی از نشست نقد و معرفی «فرهنگ مترجم»



پژوهشکده زبان و ادبیات با همکاری انجمن ترویج زبان نشست «نقد و بررسی کتاب فرهنگ مترجم (عربی-فارسی)» را با سخنرانی محمد حسین باتمان غلیچ برگزار کرد. این نشست که در تاریخ ۲۴ تیرماه ۱۳۹۷ برگزار شد، با سخنان دبیر جلسه، دکتر محمدرضا موحدی که شامل معرفی ابتدایی کتاب و منتقدان آن بود، آغاز شد و سپس مؤلف این فرهنگ‌نامه یعنی دکتر باتمان غلیچ درباره انگیزه خود در تألیف و تدوین کتاب و امتیازهایی این اثر سخنرانی کرد.

باتمان غلیچ گفت: «دانشجوی دانشگاه که شدم، اندوخته نسبتاً خوبی از دروس عربی دبیرستان (صرف و نحو و قرائت متون و...) داشتم. اما این مقدار آشنایی و این نوع رابطه با زبان عربی در آن مقطع زمانی مرا راضی نمی‌ساخت. همین احساس نیاز، انگیزه تلاش من برای دستیابی به سطحی پذیرفتنی از آشنایی با زبان عربی روز شد. البته آن روزها امکانات مناسب برای آموختن زبان زنده و امروزی عربی، اعم از مکالمه و نوشتن و خواندن، فوق‌العاده محدود بود. فضای آموزش دانشگاهی آن روز هم در رابطه با زبان عربی داستان خود را داشت. هدف اصلی، ارائه فرهنگی با غنای هرچه بیشتر برای رفع نیاز مترجمان و محققان است. البته روشن است که امروز با بهره‌گیری از فضای مجازی و امکانات اینترنتی، بسیاری از گره‌های لغوی گشوده می‌شود. اما با این وجود، مصرانه معتقدم و به تجربه اطمینان یافته‌ام که امکانات یادشده از تأمین بسیاری نیازها قاصر است و هنوز جای چنین فرهنگی با این وسعت و کیفیت برای علاقه‌مندان و نیازمندان به مراجع غنی‌تر، دقیق‌تر و مطمئن‌تر، خالی است. در عین حال و برخلاف تمام تلاش و دقتی که شده، مدعی آن نیستم که فرهنگ حاضر خالی از کاستی است.»

وی افزود: «از همان آغاز، اهمیت وجود منابع لغوی مفید و کارساز و ضرورت دسترسی به فرهنگ‌های معتبر و گره‌گشا را به خوبی حس کردم. چون فرهنگ‌های موجود را پاسخگوی این نیاز مبرم نمی‌یافتم. از سال ۱۳۵۱ با آغاز کار مترجمی وزارت خارجه، احساس نیاز من به مراجع مطمئن و قابل استفاده بیش از پیش شدت یافت و همین احساس رفته رفته انگیزه تألیف فرهنگی جدید را در من رویانید که دستگیر ترجمانی مانند خود من باشد.»

باتمان غلیچ تصریح کرد: «با استعانت از خداوند، از سال ۱۳۷۱ کار تألیف فرهنگ را با تهیه فیش از مواد جمع آوری شده آغاز کردم. ولی به دلیل مسئولیت‌های کاری و اداری و غیره، روند تألیف به صورت منقطع و گاه با توقف‌های چندماهه پیش می‌رفت. از اوایل دهه هشتاد، با عزمی جدی‌تر و با بهره‌گیری از رایانه کار را ادامه دادم و با عنایت خداوند در سال جاری چاپ و منتشر شد.» وی در ادامه ویژگی‌های این فرهنگ مترجم را توصیف کرد و دلایل زیر به عنوان علت کارآمد بودن آن به ویژه برای مترجمان برشمرد:

- مبتنی بر یک عمر مطالعه و تحقیق و تجربه عملی مؤلف در تعامل با زبان عربی معاصر، زنده و کاربردی در سطوح سیاسی، اجتماعی و علمی، با لمس نیازهای واقعی یک مترجم برای دسترسی به مراجع مطمئن و دقیق است.

- فرهنگی معادلی حاوی معادل‌های فارسی دقیق و گسترده است.



- دارای ترتیب الفبایی است (نه ریشه‌ای)

- فرهنگی عمومی و در عین حال غنی از اصطلاحات حوزه‌های مختلف تخصصی، علمی، و فنی است.

- سرشاز از اصطلاحات و واژه‌های رایج محلی کشورهای عربی با اشاره به محل هر یک است.

- حاوی بسیاری اصطلاحات و واژه‌های متداول عامیانه است.

- اسم‌ها با صیغه جمع همراه است.

- معادل‌های فارسی براساس معانی آن‌ها تفکیک و دسته‌بندی شده است.

- غالباً ترکیبات و عبارات کاربردی واژه‌ها، با ذکر نمونه از عبارات، لحاظ شده است.

- از آوردن واژه‌های مهجور و مرده‌ای که در تداول امروز نقش و تأثیری ندارد، پرهیز شده است.

- علاوه بر معادل‌های دقیق و متعدد فارسی، حتی الامکان مترادف‌های عربی هر واژه نیز آورده شده است.

- مبتنی بر تجربه و سروکار داشتن چهل ساله با شغل ترجمه و زبان عربی، تماس مداوم با عرب‌زبانان - در ایران و کشورهای عربی - و برخورد عینی و مستقیم با زبان و اهل زبان، درک نیاز واقعی و مبرم به مرجعی حاوی نکات و مفاهیم دقیق و کاربردی، همراه با مطالعه و تحقیق و پی‌جویی مستمر، و بررسی و ارزیابی تألیفات مشابه قبلی است.

در ادامه مراسم دکتر عدنان طهماسبی از استادان گروه ادبیات عرب در دانشگاه تهران، از دوره‌های همکاری با استاد باتمان غلیچ در امر ترجمه در وزارت خارجه و... اهمیت ترجمه همزمان و رسالتی که مترجمان برعهده دارند، سخن گفت و سپس به برخی ظرافت‌های نهفته در کار ترجمه و کمک امثال این فرهنگنامه به درک درست از اصطلاحات اشاره کرد.

آنگاه دکتر عبدالحسین فرزاد از استادان پژوهشکده ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی، از محاسن و گستردگی کار مؤلف در این اثر یاد کرد و البته نسبت به چرایی درج یا ترجیح برخی لغات و اصطلاحات عربی در این فرهنگ و عدم استفاده از برخی لغات دیگر، پرسشی ایراد کرد. همچنین خانم دکتر دری (نماینده انجمن ترویج زبان و ادبیات فارسی در این نشست) نیز پس از ابراز خرسندی از چاپ چنین اثری، این پرسش را مطرح کرد که چرا نظم الفبایی واژگان به خاطر درج زیر مجموعه‌ها در سطرهای موازی، به هم خورده است؟ با این امید که بتوان این کاستی‌های نه چندان مهم را در ویرایش‌های بعدی زدود.

در پایان این نشست دکتر باتمان غلیچ در پاسخ به پرسش‌های مطرح شده، توضیحاتی ارائه کرد.



## بحثی در باب انگاره مدرن شهروندی از منظر فلسفه سیاسی



شهروندی مدرن به معنای آن نوع از شهروندی است که با فلسفه سیاسی هابز و قوام بنیادهای مقوله حاکمیت مدرن و درکی بی سابقه از ایده «فرد صاحب حق» آغاز شد و با تحولات عمیقی چون انقلاب فرانسه و آراء و افکار منادیان آن، به ویژه فیلسوفانی چون روسو، با مقوله ناسیونالیسم، مشارکت سیاسی، و مساوات طلبی اقتصادی یا عدالت اجتماعی پیوند خورد. این نوع از شهروندی مبتنی بر یک آموزه بنیادین است و آن عبارت است از برخورداری اعضای عاقل و بالغ یک جامعه سیاسی از حقوق برابر و مساوی. طرفه آنکه کانون مباحث و مناقشات در باب مشروطه و قانون اساسی آن نیز حول محور «مساوات» می چرخید و این همان مکانی است که نخستین پایه های انگاره شهروندی بر آن استوار شد.

وی افزود: «شهروندی در معنای مدرن آن، یعنی دقیقاً به عنوان هویت سیاسی-اجتماعی غالب در دوره جدید، ریشه در فلسفه سیاسی تامس هابز دارد. دفاع از این موضع به خودی خود واجد کیفیتی تازه است و در میان دانشوران غربی نیز هوادار چندانی ندارد.

پژوهشکده نظریه پردازی سیاسی و روابط بین الملل پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی روز سه شنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۷ نشست «بحثی در باب انگاره مدرن شهروندی از منظر فلسفه سیاسی» را با سخنرانی دکتر شروین مقیمی برگزار کرد که در ادامه گزارشی از آن به شرح ذیل از نظرتان می گذرد:

شروین مقیمی، سخنران این نشست، سخنانش را اینگونه آغاز کرد: «شهروندی نوع غالب هویت سیاسی-اجتماعی در جوامع امروزی است. جامعه ایران نیز با بیش از یک سده ای که از انقلاب مشروطه می گذرد، فراز و نشیب های فراوانی را از سر گذرانده و به هر حال از سطحی از دانش و آگاهی و مهارت در زیست شهروندی بهره مند گشته است. به عبارت دیگر ایرانیان امروز دست کم در معنای حقوقی، از یک هویت شهروندی برخوردارند و خود را عضوی متعلق به کشوری به نام ایران می دانند. با این حال در انگاره شهروندی در ایران معاصر، عدم انسجام های عمیقی دیده می شود که شناخت و تحلیل مبانی این انگاره را ضروری می سازد؛ انگاره ای که اصول آن در ایران نخستین بار در قانون اساسی مشروطیت بازتاب یافت. بنابراین کوشش برای فهم زمینه های بروز این عدم انسجام، لاجرم کوششی است ناظر بر فهم و توضیح مبانی؛ و این ضرورت ما را وامی دارد تا برای فهم وضعیت کنونی مان و احتمالاً تلاش برای بهبود آن، به مبادی فکری و تاریخی رجوع کنیم.



اما در صدد برخوردیم آمد تا با تمرکز بر متون خود تامس هابز و بهره‌گیری از چند شرح دسته‌اول، نقش هابز در به منصب ظهور رسیدن مقوله «فرد صاحب حق» را مورد توجه قرار داده و در کنار بحث او در باب ضرورت حاکمیت مطلق و تقسیم‌ناپذیر، شمایی از ریشه‌های بنیادین بروز و ظهور انگاره شهروندی در معنای مدرن به دست دهیم. به نظر می‌رسد زایش «فرد صاحب حق» و تداوم آن در طول تاریخ سیاسی غرب تا به امروز، همان نخ تسییحی است که همه تلقی‌های گوناگون، متنوع و حتی علی‌الظاهر متضاد و متعارض در باب شهروندی را که میان فیلسوفان سیاسی مدرن و معاصر رواج داشته است، به یکدیگر پیوند می‌دهد. بلافاصله بعد از هابز، جان لاک بود که به‌رغم همدلی پررنگ آغازینش با هابز، در میانسالی مسیر دیگری را برگزید و نقدهایی را بر تلقی هابز از انسان و سرشت و ماهیت حقوق او وارد ساخت. منتها لاک نیز به‌رغم همه این نقادی‌ها، مهمترین کاری که انجام داد، نه نقادی هابز تا سر حد رد و تکذیب او، بلکه نقادی هابز در راستای تعمیق نتایجی بود که شرایط امکانش تنها از مجرای فلسفه هابز مهیا می‌شد. بنابراین لاک کوشید تا بنیان‌های انگاره «فرد صاحب حق» را نیرومندتر گرداند و از این طریق راه را برای پدیداری آنچه که امروز حقوق شهروندی می‌نامیم، هموارتر نماید. جریانی که با فلسفه سیاسی روسو آغاز شد، جریانی بود که شکل و شمایل اصلی شهروندی مدرن را باید مرهون آن دانست. توجه به این نکته لازم است که در اینجا ما نه از «آنچه مقوم شهروندی مدرن است» بلکه از «شکل و شمایل نهایی آن» سخن می‌گوییم؛ به عبارت دیگر مدعای اصلی ما به قوت خویش باقی است که اگرچه با روسو درکی متفاوت از شهروندی بروز یافت که مبنای تلقی کنونی ما از مقوله شهروندی محسوب می‌گردد- تلقی‌ای که شاید در وهله نخست با فلسفه سیاسی هابز ناسازگار یا حتی با آن متناقض به نظر برسد- اما برداشت فربه و ایجابی روسو از مقوله شهروندی تنها در پرتوی شرایطی توانست ممکن گردد

که هابز پیشتر در آستانه تجدد، تفسیر نحیف و سلبی خویش را ارائه کرده بود. بنابراین اگرچه در این گفتار، در بحث از شهروندی مدرن به دو سنت اصلی ارجاع می‌دهیم، منتها این نکته را از نظر دور نخواهیم داشت که هنوز هم کانونی‌ترین ساحت انگاره شهروندی مدرن، به‌رغم رنگ و بوی شدیداً روسویی خویش، هابزی است. هابز و سپس لاک، مبنای آن چیزی را بنیاد گذاردند که تی‌اچ. مارشال از آن با عنوان شهروندی مدنی سخن می‌گوید.

مقیمی با بیان اینکه مارشال از منظری تاریخی-اجتماعی به مقوله شهروندی می‌نگرد و مراحل سه‌گانه بسط آن را با سخن از شهروندی مدنی آغاز کرده و سپس با اشاره به شهروندی سیاسی و اجتماعی، به طرح ملاحظاتی در این خصوص مبادرت می‌ورزد، گفت: «رویکرد ما در این طرح تحقیقاتی، رویکردی تاریخی-اجتماعی، یا حقوقی نیست، با این حال در صددم نشان دهیم که تقسیم‌بندی مشهور مارشال در خصوص مقوله شهروندی، از حیث بحث در فلسفه سیاسی مدرن، ناظر بر وجوه گوناگون یک پدیده واحد است که هسته‌ای کانونی دارد و آن ایده «فرد صاحب حق» است. تردیدی نیست که این ایده کانونی بعدها به دست فیلسوفانی چون روسو و کانت و حتی جان استوارت میل، هیأتی پیدا کرد که شاید کسی دیگر نمی‌توانست در نگاه اول تبار هابزی او را تشخیص دهد، با این حال هنوز هم بر بنیاد تلقی هابز از آدمی بود که می‌توانست بقای خود را تضمین کند. ما بدون آنکه از رهیافت فلسفی در بحث از شهروندی عدول کنیم، از اصطلاح‌شناسی مارشال، بی‌آنکه بخواهیم دقیقاً همان معانی او را از این اصطلاحات مراد کنیم، برای توضیح مقاصد خویش در این گفتار بهره خواهیم برد»

## بررسی تأثیر تحولات سیاست خارجی بر امنیت اقتصادی جامعه ایران

نشست گروه مطالعات راهبردی امنیت اجتماعی با عنوان «بررسی تأثیر تحولات سیاست خارجی بر امنیت اقتصادی جامعه ایران» در تاریخ دوازدهم تیرماه ۱۳۹۷ و با ارائه دکتر ساسان شاه ویسی در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.

در ابتدای نشست محمدعلی مینایی، مدیر کرسی‌های مطالعات راهبردی و دبیر نشست، با اشاره به جلسه پیشین کرسی مطالعات راهبردی، گفت: «جلسه پیشین با ارائه دکتر خضری بر تأثیرات مالی و اقتصادی خروج امریکا از برجام متمرکز بود و جلسه حاضر نیز در پی بررسی شرایط اقتصادی و مالی تأثیر یافته از خروج امریکا از برجام تشکیل شده است، با این تفاوت که از منظر بررسی تحولات سیاست خارجی نیز به این موضوع می‌پردازد».

در ادامه دکتر ساسان شاه ویسی به ارائه الگویی از تأثیر سیاست خارجی بر امنیت اقتصادی جامعه ایران پرداخت. وی با شناسایی و تحلیل عوامل اقتصادی مؤثر، عوامل اصلی و اولیه مؤثر بر اقتصاد را سیاست‌های اقتصادی دولت، درآمد سرانه، وابستگی اقتصاد به منابع طبیعی، نوع تجارب اقتصادی، سطح وابستگی اقتصادی و نوع و روابط گروه‌های ذینفع مالی و همینطور عوامل فرعی و ثانویه را نابرابری، محرومیت نسبی، فساد و اقتصاد غیررسمی و بحران‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دانست.

شاه ویسی همچنین به معرفی مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی به منظور بررسی مطلوبیت شرایط اقتصاد بین‌المللی ایران پرداخت که در این رابطه شاخص‌هایی از این قبیل معرفی شد: «تعامل سازنده، مرتبط ساختن اقتصاد ملی به اقتصاد جهانی، اعتمادسازی و تجربیات موفق دیگر کنشگران بین‌المللی».

وی در زمینه ارائه راهکار برای غلبه بر مشکلات اقتصاد کلان کشور اتخاذ کارکردهایی را پیشنهاد کرد که مهم‌ترین آنها عبارت بود از: «پاسخ به کاستی‌ها، برون‌گرایی، توازن در مصالح فراملی و منافع ملی. کارکردهای مذکور نیز در چهارچوبی از مقدورات و محذورات ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و منابع و امکانات در کنار ملاحظات، اقتصاد پنهان، تحریم‌ها، اقتصاد هلندی، حرفه‌ای نبودن حوزه نهادی و ساختاری و عدم عضویت در سازمان تجارت جهانی باید فهم و پیگیری شود».

شاه ویسی همچنین به آونگی بودن اقتصاد ایران اشاره کرد و گفت: «بررسی تحولات اقتصادی ایران پس از انقلاب اسلامی، نشان می‌دهد سیاست‌های اقتصادی دولت به جای پیروی از روند خطی، حالت نوسانی یا آونگی را تجربه کرده است. این بررسی مشخص می‌سازد جهت‌گیری کلی سیاست‌های اقتصادی دولت در دهه اول انقلاب به سمت سیاست‌های بازتوزیعی، در دهه دوم به سمت سیاست‌های رشد اقتصادی و از نیمه دهه ۱۳۸۰، بار دیگر به سمت سیاست‌های بازتوزیعی بوده است. امری که نشان می‌دهد ماهیت و ساختار رانتیر دولت در ایران پس از انقلاب، منشا و عامل این بی‌ثباتی در اقتصاد کلان بوده است».

در پایان نشست محمدعلی مینایی، ضمن ارائه جمع‌بندی جلسه، تمرکز بر تأثیرات اقتصادی کلان و همچنین تحولات در حوزه اقتصاد سیاسی کشور منبعث از تحولات آغاز سال جاری را از جمله مهم‌ترین اولویت‌های مطالعات راهبردی در مقطع کنونی برشمردند.



## «تعمیم گرایی در ادبیات سبز به مثابه راهکار در اخلاق زیست محیطی»

بیست و چهارمین کرسی ترویجی با رویکرد عرضه و نقد ایده علمی با همکاری دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی، نقد و مناظره با عنوان «تعمیم گرایی در ادبیات سبز به مثابه راهکار در اخلاق محیط زیست» و با ارائه دکتر زهرا پارساپور در تاریخ ۱۲ تیر ۱۳۹۷ برگزار شد.



دکتر پارساپور سخنانش را اینگونه آغاز کرد: «شکل‌گیری بحران محیط زیست موجب شد که انسان نگران زمین و وضعیت آن شود و در صدد بازنگری در رفتار خود برآید. این بازنگری در دو سطح انجام پذیرفت: نخست در سطح مدیریت توسعه و کاهش صدمات ناشی از آن به طبیعت و دوم بازنگری در سنت‌های فکری و فرهنگی که زمینه‌ساز چنین نگاه و رفتاری در انسان شده است. نتیجه آن شکل‌گیری مطالعات بینارشته‌ای در شاخه‌های مختلف علوم انسانی با محیط زیست بود. یکی از این شاخه‌ها اخلاق بود. اخلاق زیست محیطی مجموعه‌ای از اصول فکری و رفتاری انسان است که به حفظ مجموعه نظام انسان و طبیعت تأکید دارد. این شاخه هر چند نوظهور بود اما تلاش می‌کرد از ظرفیت‌های اخلاق سنتی که در دل فرهنگ‌ها و جوامع کهن رسوخ و نفوذ داشت در حمایت از محیط زیست بهره بگیرد. یکی از این نظریه‌ها که در این رابطه شکل گرفت تعمیم‌گرایی است. تعمیم‌گرایی با هدف حفظ محیط زیست تلاش می‌کند که دامنه شمول پاره‌ای از نظریه‌های اخلاقی را نسبت به آنچه پیش از این پنداشته می‌شدند بسط و گسترش بدهد. نظریه‌های سنتی اخلاقی، مانند فایده‌گرایی را به موجوداتی که پیش ازین شایسته اطلاق جایگاه اخلاقی مستقیم نمی‌شدند، تعمیم دهد. گاه این گسترش در حد حیوانات و یا بخشی از حیوانات است و گاه تمام موجودات را شامل می‌شود که نظریه‌های زیست‌محور چنین هستند. برای مثال تعمیم‌گرایان فایده‌گرا نسخه‌ای از نظریه فایده‌گرایی را بسط و تعمیم می‌دهند که در آن هدف کسب بیشترین لذت و کمترین الم است. با وجود آن که مؤسس مکتب فایده‌گرایی یعنی جرمی بنتام به وضوح بیان می‌کند که رنج حیوانات باید در محاسبات فایده‌گرایان لحاظ شود اما در عمل به شکل سنتی تنها رنج و الم انسان لحاظ می‌شده است. پیترو سینگر از نسخه‌ای از مکتب فایده‌گرایی استفاده نمود که در آن دو محور اساسی حداکثرسازی سودمندی و در عین حال برابری مطرح شده بود - که البته آن هم در مورد انسان‌ها لحاظ شده است - اما سینگر دایره شمول این دو محور یعنی سودمندی و برابری را به همه انسان‌ها و همه گونه‌های جانوری بسط و گسترش داد و هرگونه منفعت‌طلبی را توسط انسان بدون لحاظ منافع دیگر گونه‌ها نوعی گونه پرستی که همانند نژاد پرستی است تلقی کرد. نمونه دیگر در تعمیم‌گرایی را در قانون طلایی

اخلاق شاهدیم. این قانون به ما می‌گوید: با دیگران، آنگونه رفتار کن که می‌خواهی با تو رفتار کنند. آرام هیر، با تعمیم این قانون طلایی می‌گوید: «باید با قراردادن خویش به جای هر یک از موجودات، از خود پیرسیم، اگر جای هر یک از آنها بودم، دوست داشتم با من چگونه رفتار می‌شد؟» به عبارتی، او این قانون طلایی را به همه موجودات زنده، تعمیم می‌بخشد. یا آرن ناس، حکم امانوئل کانت را که می‌گوید: «هرگز مباد که از دیگر کسان، تنها به‌عنوان وسیله استفاده کنی»، به صورت «هرگز مباد که از هیچ موجود زنده‌ای، تنها به‌عنوان ابزار استفاده کنی» در می‌آورد. کانت معتقد بود که موجودات عاقل شایسته رفتار اخلاق هستند اما ریگان همه موجوداتی که تجربه زیستن را دارند فارغ از مفید بودن یا نبودنشان برای انسان شایسته تکریم می‌دید. تکریم زندگی و اراده برای زیستن، بسط و گسترش نیاز انسان به طبیعت و موجودات دیگر و برجسته‌سازی اهمیت چرخه حیات و حفظ تمامیت و انسجام آن از عمده‌ترین استدلالات فلسفی در حوزه تعمیم‌گرایی است. در پژوهشی که در ادبیات فارسی صورت گرفت ملاحظه گردید که نمونه‌هایی از این تعمیم‌گرایی را در ادبیات به ویژه در ادبیات معاصر می‌توان سراغ گرفت با این تفاوت که اولاً تعمیم‌گرایی در فلسفه اخلاق زیست محیطی مبتنی بر استدلالات فلسفی است اما در ادبیات این ملاحظات با کمک تخیل و احساس شکل می‌گیرد و به خوانندگان القا می‌شود؛ دوم این که در فلسفه، این تعمیم‌گرایی در سطح نظریه است اما در ادبیات در سطح کاربرد اصطلاحات اخلاقی و حقوقی است. به عبارتی شاعر و یا نویسنده بدون آنکه بخواهد فلسفه این تعمیم را بیان کند در عمل این مرز را برمی‌دارد و اصطلاحاتی را که در اخلاق و حقوق سنتی تنها برای انسان به کار می‌رود در مورد سایر موجودات نیز به کار می‌گیرد. در ادامه این پژوهش نمونه‌ای از کاربرد متفاوت اصطلاحات اخلاقی و حقوقی».

پارساپور تأکید کرد: «اصطلاح دیگر قانون است. قانون در اصطلاح عبارتست از احکام و مقررات الزام آور که توسط مقامی که اختیار قانونگذاری دارد وضع و به موقع به اجرا گذاشته می‌شود. بنابراین طبیعت نه در وضع قانون و نه در تعریف قانون لحاظ نشده است گویی قانونمندی اختصاص به انسان دارد. برعکس زمانی که ما از اصطلاح قانون جنگل سخن می‌گوییم مراد ما بی‌قانونی و بی‌نظمی و یا غلبه زور بر عدالت و موازن است. اگر به نگاه حکیمان در گذشته بنگریم قانون طبیعت، ناموس خداست. طبیعت کتابی است که آیه‌های آن (پدیده‌ها و موجودات طبیعی) مجری قوانینی هستند که بر آنها جاری است. زمانی که از قانون جاذبه زمین سخن می‌گوییم در حقیقت موفق شدیم یکی از این قوانین طبیعت را کشف کنیم که نظم و قاعده‌ای به هستی می‌بخشد. اکنون با این نگاه حکیمانه قانون معنایی وسیع‌تر پیدا می‌کند و متقابلاً بی‌قانونی از سوی انسان‌ها تنها به شکستن مرزهای قوانین بشری خلاصه نمی‌شود بلکه قوانین حاکم بر طبیعت را نیز تا جایی که بتواند نادید می‌گیرد. اصطلاحات دیگری که در این پژوهش روی آن بحث شده است عدالت، تبعیض، تجاوز، خوبی و بدی است که شاعران معنای رایج و مرسوم آنها در متون مختلف را تجدید نظر کردند. در مورد کارکرد امروزه این بحث و در واقع کنش این نظریه باید این رویکرد موجب شود که هنجارهای زبانی و اندیشگانی رایج را بشکنند و از منظری نو به کلمات، به اصطلاحات و در نهایت به گفتمان انسان محور مرسوم در توصیف و توضیح پدیده‌ها توجه شود. تأثیر این هنجارشکنی بر روی مخاطبان موجب می‌شود که در ملاحظات اخلاقی و حقوقی تنها روابط انسانی را لحاظ نکنند و در رابطه خود با موجودات دیگر تجدید نظر کرده و نسبت به آنها حساس‌تر باشند. برای نمونه می‌توان به کارکرد اخیر آن اشاره کرد: در ماه‌های اخیر شاهدیم که در روزنامه‌ها و سایت‌های خبری، به‌جای «قطع درختان» از تعبیر «قتل درختان» استفاده می‌شود. قتل در زبان و ادبیات تنها در مورد انسان‌ها به کار می‌رفته و می‌رود و در جز در یک آیه قرآن آن هم قابل توجیه و تفسیر برای غیر انسان به کار نرفته است. کاربرد عامدانه این اصطلاح برای درخت، زشتی و ناشایستی این عمل را دو چندان جلوه می‌دهد و حساسیت مردم را نسبت به مرگ درختان افزایش می‌دهد». در بخش بعدی کرسی، ناقدان نظرات خود را بیان کردند و دکتر پارساپور به پرسش‌ها و نقدهای مطرح شده، پاسخ داد.





## گزارشی از نشست «عشق و خانواده»



نشست «عشق و خانواده» به همت معاونت فرهنگی- اجتماعی و با سخنرانی دکتر مهدی دواپی روز یکشنبه ۱۰ تیرماه برگزار شد.

در این نشست دکتر مهدی دواپی از روانشناسان برجسته کشور ضمن اشاره به اهمیت عشق در خانواده خاطر نشان کرد: «اگر از انسان در مورد هویت پرسند چه چیزی متوجه می‌شود؟ در واقع هویت هر آن چیزی است که فرد از دیگران متمایز می‌شود. یکی از مواردی که این هویت را علاوه بر اسم، ملیت و دین و... ایجاد می‌کند، همین عشق هر فرد است. این عشق، هر فرد را از فرد دیگر متمایز می‌سازد. همین عشق را می‌توان در

خانواده تعریف کرد. اگر این هویت‌ها باعث افتخار و خوشحالی فرد شود، هویت موفقیت شکل می‌گیرد ولی اگر این هویت‌ها مایه سرافکنندگی و ناراحتی باشد، هویت شکست شکل می‌گیرد. هر میزان برآیند این هویت، هویت موفق باشد، ما از نظر روانی سالم‌تر هستیم. اگر در هویت عشقی هم احساس رضایت داشته باشیم و به خانواده خود، پدر، مادر، همسر و فرزند افتخار کنیم، سلامت روانی بیشتری خواهیم داشت. در این میان راه‌حلهایی وجود دارد که بتوان بهتر این هویت عشق را به ویژه در رابطه با خانواده ارتقاء بخشید». این روانشناس در مورد گام‌هایی که در مورد هویت موفق عشق می‌توان برداشت، توضیح داد: «اولین گام توجه کردن است. در این توجه کردن هم، زبان بدن بسیار اهمیت دارد که حتی بعضی اهمیت آن را تا ۵۵ درصد گفته‌اند، ۳۸ درصد لحن مؤثر است و فقط ۷ درصد خود آن پیام برای شکل دادن هویت موفق عشق دارای اهمیت است. لذا دلبری کردن برای شکل‌گیری عشق بسیار مهم است. برای اینکه هویت موفق عشق اتفاق بیفتد باید پروژه مشترک داشت و این پروژه‌های مشترک باید حداقل ۱۹، ۲۰ مورد در ماه باشند. در واقع باید خانواده‌ها هر شب پروژه مشترک داشته باشند و این پروژه‌های مشترک حرف ایجاد می‌کند. یکی از معیارهای عشق‌های موفق میزان حرف زدن آدم‌های یک خانواده با هم است که هم در قالب پروژه‌های مشترک و هم در قالب پروژه‌های دو به دو قابلیت انجام را دارد و اهمیت این پروژه‌های دو به دو برای ایجاد عشق موفق بسیار بیشتر است».

وی در ادامه به دومین گام یعنی «مسئولانه عمل کردن» اشاره کرد و گفت: «مسئولانه عمل کردن در مقابل مقصرانه رفتار کردن قرار دارد. چیزی که عشق ایجاد می‌کند مسئولانه رفتار کردن است. یعنی هر کاری که می‌کند، اول خود را مسئول آن بداند و در مقابل آن مسئولانه رفتار کند، نه اینکه دیگران را مرتب مقصر بداند. این مسئولانه رفتار کردن عشق ایجاد می‌کند. سومین گام «احترام گذاشتن» است. یکی از ابعاد این احترام، این است که اگر حرفی می‌زنیم، روی حرفمان بایستیم و به آن درست عمل کنیم. اگر اینطور نشود، محترمانه رفتار نکرده‌ایم. یکی دیگر از ابعاد احترام، بحث اندام است. ثابت شده است که بیش از ۹۸ درصد آدم‌ها در یکی از اندامشان احساس خوبی ندارند و این باعث حقارت اندامی و در نهایت شکست در هویت موفق عشق خواهد شد. ولی اگر خانواده به هم احترام بگذارند و همدیگر را تحقیر نکنند، مصونیت ایجاد می‌کند. بنابراین بسیار دقت کنید که در خانواده کسی، کس دیگری را تحقیر نکند. علاوه بر این اگر در جامعه‌ای مسائل مادی مثل پول و موقعیت شغلی و... اعتبار و احترام بیاورد، در آن جامعه هم عشق از بین می‌رود. یکی از ابعاد دیگر عشق، احترام گذاشتن به چیزهایی است که او دوست دارد. بی‌احترامی به آنها عشق را از بین می‌برد. چهارمین گام برای شکل‌گیری عشق، عقل است. یعنی عشق از عقلانیت می‌گذرد، برخلاف آنچه که گفته می‌شود و آن را منتسب به دیوانگی می‌کنند. درحالی‌که اندیشمندان رشد اخلاقی را تابعی از رشد عقلانی دانسته‌اند و اوج رشد اخلاقی، عاشقی است. بنابراین عاشقی تابعی از رشد عقلانی است».

دواپی در خاتمه سخنانش، در پاسخ به این سؤال که معیارهای عقلانیت چیست؟ و اینکه از کجا معلوم که با یک اقدام عشق ایجاد می‌شود و با دیگری نمی‌شود؟ گفت: «پیازه سه اولویت را مطرح می‌کند که اگر کسی این سه اولویت را مد نظر قرار دهد، دارد عاقلانه عشق ایجاد می‌کند. یکی از این موارد، اولویت دادن به نیت و انگیزه در مقابل عینیت است. به جای اینکه عمل فرد مقابل را ببیند و عینیت آن را مد نظر قرار دهد، نیت او را نیز مد نظر قرار دهد که آیا اگر مثلاً اشتباهی صورت گرفته، واقعاً نیت آن بوده یا خیر؟ در اینجا است که از دل این رفتار عقلانی، عشق رشد پیدا می‌کند».

## برگزاری نشست «نقد ادبی و مکتب‌های آن»

پژوهشکده زبان و ادبیات فارسی با همکاری مرکز مطالعات ادبیات فارسی و تحقیقات عرفانی، کارگاه آموزشی «نقد ادبی و مکتب‌های آن» با حضور دکتر عبدالحسین فرزاد، دکتر احمد ابومحسوب و مهمان ویژه دکتر امیر بانو کریمی در تاریخ ۷ تیر ماه ۱۳۹۷ ساعت ۱۷-۱۰ در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار کرد.



این جلسه با تلاوت قرآن کریم و پخش سرود جمهوری اسلامی آغاز شد، پس از آن دکتر یوسف محمدنژاد رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات، ضمن خوشامدگویی به استادان و دانشجویان حاضر در این گردهمایی، با اشاره به سیاست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در زمینه ترویجی‌سازی نتایج مطالعات فرهنگی و طرح‌های پژوهشی و نیز توسعه فضای نقد و گفتگو، تأکید کرد: «برگزاری این کارگاه نقد شعر دانشجویی نیز که با مشارکت انجمن علمی دانشجویان تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه و دانشگاه آزاد اسلامی واحد جنوب برنامه‌ریزی گردیده، بر اساس این سیاست پژوهشگاه و برنامه عملیاتی پژوهشکده زبان و ادبیات در خصوص توسعه فعالیت‌های ترویجی زبان و ادبیات فارسی و سازماندهی و نهادینه‌سازی ارتباطات، تعاملات و همکاری‌های علمی و پژوهشی پژوهشکده با نهادهای همگن در درون و بیرون پژوهشگاه صورت گرفته است».

سپس دکتر سهیلا موسوی سیرجانی، رئیس مرکز مطالعات ادبیات فارسی و تحقیقات عرفانی، ضمن خوشامدگویی به شرکت‌کنندگان در کارگاه، با اشاره به سابقه همکاری‌های علمی بین پژوهشکده و مرکز تحقیقات در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ و برنامه‌های آتی این دو نهاد علمی و پژوهشی، به مهم‌ترین اهداف و نتایج برگزاری جلسه نقد شعر دانشجویی که به صورت کارگاه «نقد ادبی و مکتب‌های آن» برنامه‌ریزی شده، اشاره و اظهار امیدواری کرد که این برنامه در آینده تداوم یابد.

پس از آن جلسه به ترتیب با سخنرانی دکتر عبدالحسین فرزاد و دکتر احمد ابومحسوب در باب اصول و مبانی نقد، ادبیات، نقد و ارزش‌ها، فرمالیسم، تجربه شعری، تفاوت حادثه شعری و تاریخی و درک زمانه و ... ادامه پیدا کرد. دکتر امیربانو کریمی، سخنران بعدی جلسه بود که با بحثی اجمالی درباره ویژگی‌های شعر امیری فیروزکوهی و مظاهر مصفا (پدر و همسر خود) دو شعر بلند این دو شاعر معاصر را قرائت کرد که مورد نقد و بررسی منتقدان حاضر در جلسه قرار گرفت.

بخش سوم برنامه، با طرح بحث‌هایی از سوی دکتر فرزاد و ابومحسوب درباره نقد شعر و ویژگی‌های آن آغاز شد و با نقد عملی اشعار دانشجویی همراه با قرائت اشعاری از دانشجویان عضو انجمن علمی دانشجویی شعر و نقد پژوهشگاه و کانون ادبی و نقد اشعار دانشگاه آزاد واحد جنوب، و پرسش و پاسخ دانشجویان حاضر در جلسه پایان یافت.



## گزارش نشست «ارمنیان و کردها در سال‌های جنگ جهانی اول»



ششمین نشست از سلسله نشست‌های «حیات اجتماعی ایران در سال‌های جنگ جهانی اول» با موضوع «ارمنیان و کردها در سال‌های جنگ جهانی اول» با سخنرانی دکتر کارن خانلری و دکتر سیروان خسروزاده در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد. این نشست در تاریخ ۵ تیر ۱۳۹۷ به همت پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی و انجمن ایرانی تاریخ برگزار شد.

در سال‌های ۱۸۹۶-۱۸۹۴ حدود سیصد هزار ارمنی در ولایات شش‌گانه شرق آناتولی به دستور سلطان عبدالحمید دوم کشته شدند که معروف به «قتل‌عام‌های حمیدیه» است. عبدالحمید با تشکیل سپاهی با نام حمیدیه که برخی عشایر کرد هم در آن حضور داشتند، این برنامه کشتار را انجام داد. عبدالحمید با تحریک حس دینی کردها آنها را وارد این اقدام کرد اما با ورود دولت‌های غربی این اقدام متوقف شد. در سال ۱۹۰۸ براساس نارضایتی‌های عمومی که در سراسر امپراطوری عثمانی وجود داشت، انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی به وجود آمد. حزب اتحاد و ترقی یا ترکان جوان بر سر کار آمدند تا عثمانی وارد دوره جدیدی از تاریخ خود می‌شود. در سال ۱۹۰۹ سلطان عبدالحمید دوم در اقدامات ضد انقلابی و ضد مسیحی خود سی هزار از ارمنیان سیلیسیه و عده‌ای از کردها را در این شهر از بین می‌برد. همچنین در سال ۱۹۰۹ عبدالحمید دوم از سلطنت خلع می‌شود و حکومت به دست حزب اتحاد و ترقی می‌افتد. همزمان با این تحولات، شورش و قیام‌های اقوام مسیحی بالکان علیه حکومت مرکزی عثمانی که خواستار استقلال بودند شکل گرفت.

دکتر خانلری سخنان خود را با پرداختن به دلایل وقوع جنگ جهانی اول آغاز کرد. وی برای ورود به بحث در ابتدا به سه رخداد بزرگ قبل از جنگ جهانی اول اشاره کرد و گفت: «جنگ عثمانی و روسیه در ۱۸۷۷-۱۸۷۸ انقلاب مشروطه در عثمانی و جنگ‌های بالکان در سال‌های ۱۹۱۳-۱۹۱۲ که سه رخداد تأثیرگذار در جنگ جهانی اول هستند. در جنگ عثمانی و روسیه، روس‌ها قصد آزادسازی مناطق بالکان را از عثمانی داشتند. پس از مدتی روس‌ها در خواست صلح می‌دهند و در معاهده صلحی که در سن استفانو امضای می‌شود دولت عثمانی متعهد می‌شود، ارمنستان و ولایات ارمنی‌نشین عثمانی از حمله نیروهای دولتی، کردها و چرکس‌ها در امان باشند. به کار بردن واژه ارمنستان در معاهده صلح سلطان عبدالحمید دوم را نگران کرد. چراکه این واژه بار سیاسی داشت.»

خانلری ادامه داد: «دیپلمات‌های انگلیسی و عثمانی واژه ارمنستان را از معاهده سن استفانو حذف کردند اما نگرانی برای دولت عثمانی وجود داشت که ارمنی‌ها هم همانند ملل بالکان به زودی خواستار استقلال شوند.

در ادامه نشست دکتر خسرو زاده به بیان سخنان خود پرداخت. وی با ذکر مقدمه‌ای گفت: «روس‌ها در سال ۱۸۷۸ به دنبال شورش ملل بالکان نیروهای خود را از محور قفقاز و بالکان به عثمانی وارد کردند و به پیشروی در این مناطق پرداختند. هشدار اتریش و انگلستان باعث شد روس‌ها دست از پیشروی بردارند. ماده ۱۶ و ۶۱ قرارداد سان - معاهده صلح روسیه و عثمانی - اقوام مسیحی عثمانی را تضمین جانی و مالی می‌کرد. در معاهده بعدی با عنوان «معاهده برلن» این ماده پشتوانه اجرایی خود را از دست داد. در این ایام ارمنیان سیاست جلب محافل اروپایی را در پیش گرفتند و رفتار آنها نسبت به عثمانی تا حدی تغییر



کرد. آنها ۶ ولایت شرقی آناتولی را تحت عنوان ارمنستان غربی می‌خواندند اگرچه بخش قابل-توجهی از جمعیت این ولایات غیرارمنی بودند. در این زمان عبدالحمید دوم و سعید پاشا صدراعظم درصدد تصفیه ارمنیان برآمد. عبدالحمید سعی کرد این اقدام را با کمک کردها انجام دهد برخی کردها همچون شیخ عبیدالله نهری درخواست عبدالحمید را رد کردند. در سال ۱۸۹۱ عبدالحمید سعی کرد با تشکیل سپاه مزدور حمیدیه که تنها در قبال وی پاسخگو بود و بیشتر از دو طایفه کرد حیدرانلو و جلالی بود ارمنیان را از میان بردارد.

ناسیونالیست‌های ترک این اقدامات را بر نمی‌تابیدند. در حالی که حزب اتحاد و ترقی، سردمدار مشروطه عثمانی بودند و با شعار دمکراسی و آزادی حکومت را برعهده گرفتند.

جنگ‌های بالکان در سال‌های ۱۹۱۲-۱۹۱۳ علیه اقوام مسیحی شکل گرفت که موفقیت‌آمیز نبود. ارمنی‌ها نیز به این قیام پیوستند و مطالبات سیاسی و اجتماعی خود را پیگیری می‌کردند. در این احوال کودتایی در حزب اتحاد و ترقی بوقوع پیوست و الیت قدرت حزب همچون شفکت پاشا و سردمداران حزب کشته می‌شوند و طلعت و انور و جمال پاشا از ناسیونالیست‌های افراطی قدرت را به‌دست می‌گیرند. آنها در ۱۹۱۳ در جنگ دوم بالکان شکست خوردند و برای توجیه شکست‌های پی‌درپی خود ملت‌های مسیحی امپراطوری را متهم به اختلال و کارشکنی در امور امپراطوری کردند و ارمنی‌ها در دسترس‌ترین ملت‌ها برای انتقام قلمداد می‌شدند. ترکان جوان در فاز اول تنفر ضد ارمنی بحث دینی را مطرح کردند و این باعث شد برخی طوایف کرد وارد نزاع ضد ارمنی حکومت شدند و در تشکیلاتی به نام تشکیلات مخصوصه توسط دولت جدید ساماندهی شدند. از آوریل ۱۹۱۵ نسل‌کشی ارمنه آغاز شد و تا سپتامبر ۱۹۱۶ ادامه یافت و به کشته شدن بیش از یک میلیون ارمنی منجر شد. از سال ۱۹۱۶ تا پایان جنگ کشتار تتمه ارمنی‌ها به مرور ادامه یافت البته برخی از طوایف کردها کمک‌های بسیاری برای حفظ جان ارمنه کردند. در یک کنکاش آماری از بازماندگان نسل‌کشی حدود ۵۰ درصد از بازماندگان ارمنه توسط کردها جان سالم به در بردند».



جنايات برخی از بيگ‌هاى کرد نيز عليه عثمانى‌ها اقدام کردند. همکارى درخشان کرد و ارمنى در «درسيم» انجام شد و ۵ هزار ارمنى جانشان نجات پيدا کرد. چند ماه بعد همين سياست در حق کردها انجام گرفت. سلطان عثمانى هفتصد هزار کرد را از آناتولى شرقى به غرب آناتولى انتقال داد که با ترکيب در جمعيت منطقه غرب آناتولى هويت کردى خود را از دست بدهند و مثل ملل بالکان خواستار استقلال و از عثمانى جدا نشوند».

وى در خاتمه ضمن مهم خواندن مسئله ممانعت ارمنى‌ها از همکارى روس‌ها و کردها، گفت: «بخشى از کردها عليه عثمانى‌ها بودند اما ارمنيان قفقاز هيچ علاقه‌اى به همکارى کردها با روس‌ها نداشتند. چرا که ارمنيان خواهان آزادى و استقلال ۶ ولايت شرقى آناتولى به کمک روسها بودند اگر کردها به روس‌ها نزديک مى شدند اين هدف به چالش مى افتاد. در سال ۱۹۱۷م. روس‌ها سعيکردند به همکارى با کردها بپردازند و کردها شرط کردند هر لشکر روس که بدون ارمنى باشند مورد حمايت کردهاى آناتولى قرار خواهد گرفت. متأسفانه در اين ميان هم از جانب کردها و هم از جانب ارمنى‌ها کشتارهاى متقابلى نسبت به يکديگر هم انجام گرفت که اين عامل به شدت جمعيت آنها را در منطقه کاهش داد». سعى کرد با تشکيل سپاه مزدور حميديه که تنها در قبال وى پاسخگو بود و بيشتر از دو طايفه کرد حيدرآنلو و جلالى بود ارمنيان را از ميان بردارد. متأسفانه اين سپاه در بين سال‌هاى ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۶ بيش از سيصد هزار ارمنى را قتل عام کردند. تنها همين دو طايفه کرد در اين اقدامات دست داشتند و بخش عمده کردها حتى مخالف اين تصفيه بودند.

متأسفانه اين سپاه در بين سال‌هاى ۱۸۹۴ تا ۱۸۹۶ بيش از سيصد هزار ارمنى را قتل عام کردند. تنها همين دو طايفه کرد در اين اقدامات دست داشتند و بخش عمده کردها حتى مخالف اين تصفيه بودند. در سال ۱۹۰۳ گزارشاتى داريم که چند تن از سران سپاه حميديه به جرم حمايت از ارمنيان از آن اخراج مى‌شوند. در اواخر اکتبر ۱۹۱۴ عثمانى‌ها به تحريك آلمان‌ها وارد کارزار جنگ جهانى اول مى‌شوند. البته عشاير کرد عثمانى هفته‌ها قبل از جنگ با تاخت و تاز به روستاهای ارمنى‌نشين و آسورى‌نشين آنسوى مرزها نبرد را آغاز کرده بودند. روس‌ها نيز به تبع آن در حمايت از ارمنيان و آسورى‌ها وارد منطقه آذربايجان ايران شدند. روس‌ها پس از مدتى از ترس پيشروى عثمانى‌ها شبانه آذربايجان را ترک کردند و حاميان ارمنى و آسورى خود را تنها گذاشتند. عثمانى‌ها به آذربايجان وارد و به قتل عام ارمنيان و آسورى در سلماس و اروميه پرداختند. بخش زيادى از ارمنيان و آسورى‌ها به مسيون‌هاى آمريكايى و فرانسوى مقيم آذربايجان پناه بردند که البته ناکام ماندند. تاريخ‌نگاران آذربايجان اين قتل عام را بر گردن کردها انداختند درحالى که دستور قتل عام آنها را افسران عثمانى صادر و عثمانيان اجرا کردند و اين اسناد در وزارت خارجه ايران موجود است».

خسرو زاده ادامه داد: «حضور ۱۵۰ هزار ارمنى در سپاه ارتش روسيه تزارى باعث مى‌شد عثمانى‌ها حس ضد ارمنى خود را تشديد بخشند. در مارس ۱۹۱۵ هنگامى که روس‌ها شهر وان را تصرف کردند عثمانى‌ها حدود ۵/۱ ميليون ارمنى داخل امپراطورى را به بهانه تبعيد قتل عام کردند.

## دکتر آموزگار:

# این تهمت را بر خودمان نپذیریم که بی‌تاریخ بوده‌ایم

دومین نشست از سلسله نشست‌های «همکاری‌های بین‌رشته‌ای تاریخ و باستان‌شناسی» با موضوع «فرهنگ، تاریخ و باستان‌شناسی ایران» با سخنرانی دکتر ژاله آموزگار و دکتر جواد نیستانی به همت پژوهشکده علوم تاریخی پژوهشگاه علوم انسانی در تاریخ ۲۵ تیرماه ۱۳۹۷، در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار شد.



دکتر ژاله آموزگار به عنوان سخنران اول بحث خود را براساس کتیبه‌های ایران باستان آغاز کرد و با تأکید بر آن که اگر باستان‌شناسان نبودند و این کتیبه‌ها را در اختیار مورخان و زبان‌شناسان نمی‌گذاشتند طبعاً حرفی برای گفتن وجود نداشت، ادامه داد: «زبان‌ها و کتیبه‌ها همیشه وسیله‌ای بوده‌اند که تاریخ را هویدا کنند. این نقص را همواره بر ایرانیان وارد آورده‌اند که تاریخ خود را ننوخته‌اند لذا آنچه مرا به راه زبان‌شناسی کشاند این بود که جوابی بر این ادعا پیدا کنم. آیا کتیبه بیستون، نقش رستم، کتیبه زرتشت و بسیاری دیگر از کتیبه‌ها که همزمان با همان دوره نگارش شده‌اند، چیزی به غیر از تاریخ هستند؟ تاریخی که بسیار معتبر از نوشته‌های هرودوت است که چند قرن بعد از دیگران شنیده و نوشته شده است. معمولاً تاریخ را به دو بخش قبل از تاریخ و پس از تاریخ تقسیم می‌کنند و مبنای آن را اختراع خط می‌دانند اما نمی‌توان قائل بر این شد که قبل از اختراع خط تاریخ وجود نداشته است».

دکتر آموزگار در ادامه در مورد سابقه نگارش رویدادها و قوانین و اندیشه‌ها بر سنگ و لوحه را مواردی را مطرح کرد و با اشاره به استوانه کوروش بزرگ که باستان‌شناسان در کاوش‌های خود کشف کردند، گفت: «در کنار اطلاعات زبان‌شناسی و باستان‌شناسی این استوانه، آن چه که از اهمیت بیشتری برخوردار است، برداشت تاریخی است که می‌توان از آن به دست آورد. سپس به کتیبه بیستون اشاره کرده و علاوه بر این که آن را یک داده باستان‌شناسی مهم دانستند نکات خاص تاریخی آن را نیز بیان کرد. از جمله این که به صورت عمدی در شاه‌راهی مهم حک شده و مطالب کتیبه اطلاعات مهمی از شجرنامه داریوش شاه، فهرست با ارزشی از اسامی کشورهای تحت فرمان هخامنشیان و گاه‌شماری این رویدادها را دربر دارد».



دکتر آموزگار سپس در مورد دوران ساسانی توضیح داد: «دوره ساسانی اگر چه به زمان ما نزدیک‌تر است و مورخان بسیاری نیز در این باره نوشته‌اند اما کماکان کتیبه‌های برجای مانده از این زمان هستند که بیشترین یاری را به ما می‌دهند. شاپور ساسانی در کتیبه‌اش در کتیبه زرشت نسب‌نامه، اعتقادات مذهبی، لشگرکشی‌ها و بالاخص شکست رومیان را بیان کرده است که چون مربوط به همان زمان است ارزش بسیاری دارد. یکی از نکات مهم در این کتیبه نام بردن از زنان است که نشان می‌دهد در آن زمان زنان نیز در جامعه جایگاه ویژه‌ی داشتند. دیگر کتیبه، کتیبه «کرتیر» است.

وی در پایان عنوان کرد: «پس نباید گفت که ما تاریخ خود را ننوشته‌ایم. ما در یافتن کتیبه‌ها مدیون باستان‌شناسان هستیم، در کاویدن نکاتش مدیون زبان‌شناسان و در نتیجه‌گیری و تحلیل مدیون تاریخ‌نویسان هستیم و این تهمت را بر خودمان نپذیریم که بی‌تاریخ بوده‌ایم».

دکتر جواد نیستانی دیگر سخنران این جلسه کلام خود را چنین آغاز کرد: «واقعیت آن است که دانشجویان باستان‌شناسی با گرایش قبل از اسلام نیازمند بررسی منابع اسلامی هستند اما چندان به دنبال شناسایی این منابع نبوده و نیستند که بتوانند روایات واقعی را از غیرواقعی تشخیص دهند. آن چه که در ایران به نام مطالعات میان‌رشته‌ای اتفاق افتاد زایش درستی نداشت. در فرانسه در سال ۱۹۲۰ مکتب آنال شروع به فعالیت کرد و اساس اندیشه این مکتب این بود که روایت‌گر محض تاریخی نباشیم و آن را با تحولات سیاسی و اجتماعی جامعه پیوند دهیم. اما این اتفاق در مطالعات ما جای ندارد و دانشجویان نمی‌توانند موضوعات خود را با زمینه تاریخی پیوند دهند. مطالعات میان‌رشته‌ی نیز عملاً از سال ۱۹۴۰ در غرب باب شد. اما تجربیات نشان می‌دهند که نظام آموزشی ما تنها به وارد کردن این عنوان بسنده کرده و عنوان میان‌رشته‌ای به هیچ وجه در نظام آموزشی ما تبیین نشده و دانشجویان نمی‌توانند به درستی از آن استفاده کنند. وی مشکل بعدی را استفاده از رویکردهای نظری دانست و گفت: «دانشجویان اصرار به استفاده از این عنوان در رساله‌های خود دارند در حالی که به آن مسلط نیستند. واقعیت آن است که بدون همکاری بین‌رشته‌های مختلف تحقیقی همه‌جانبه صورت نمی‌گیرد و مشکل اصلی بر این است که چگونه می‌توان این همکاری را عملی کرد که باید در گام اول محقق این مهم را دریابد که تا منابع را نشناسد، نمی‌تواند تحقیقی کامل ارائه کند».

نیستانی افزود: «در رابطه با ضرورت همکاری رشته‌ها با هم می‌توان به این اشاره کرد که برای نمونه در رشته تاریخ رساله‌هایی در زمینه سکه‌شناسی کار شده که در بین اساتید هیچ سکه‌شناسی وجود ندارد یا مواردی هستند که منابع تاریخی آن دوره را بسیار پر رونق معرفی کرده اند اما نتیجه آزمایشات انجام شده روی سکه‌های آن دوره این است که سکه‌ها فاقد ارزش هستند پس آن دوره نمی‌تواند پر رونق بوده باشد یک نمونه دیگر مسجد «استرآباد» است که من شخصاً جهت بررسی آن رفتم. مناره بنا کتیبه‌ای از دوران سلجوقی داشت اما منبع رجالی نگارش شده در این باره عنوان کرده که برخی این بنا را به دوره سلجوقی نسبت می‌دهند اما با ایراد شواهدی نشان می‌دهد که تنها مناره آن سلجوقی است اما کل بنا مربوط به دوره سلجوقی نیست».

نیستانی در پایان تأکید کرد: «در دانشگاه‌ها و در ارتباط با کار باستان‌شناسان گریزی از استفاده از منابع تاریخی نیست؛ پیوند واقعی در یک کار عملی درست بین باستان‌شناسی و دیگر رشته‌ها متأسفانه بیشتر به شکل صوری است، نه واقعی. امیدوارم این جلسه که در مورد پیوند بین باستان‌شناسی و تاریخ برگزار شد و عملاً به نقد نظام آموزش عالی کشور رسیده است، در نهایت به اتفاقی مثبت در این زمینه منجر شود».

## فرهنگ‌نامه‌نویسی در ایران؛

### یادبود سالروز درگذشت دکتر محمد معین

نشست «فرهنگ‌نامه‌نویسی در ایران» روز سه‌شنبه ۱۲ تیرماه ۱۳۹۷ به مناسبت سالروز درگذشت دکتر محمد معین و به همت پژوهشکدهٔ زبان و ادبیات و حمایت معاونت فرهنگی اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی و با همکاری معاونت فرهنگی - اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی (کانون خبر و رسانه) برگزار شد. در این نشست دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد احمد سمیعی گیلانی و دکتر مهدخت معین به ایراد سخن پرداختند.



در ابتدای برنامه دکتر مریم شریف‌نسب، دبیر نشست، برگزاری این جلسه را علاوه بر گرامیداشت فعالیت‌های علمی استاد محمد معین، یادآوری اهمیت تهیه و تدوین کتاب‌های مرجع دانست. و افزود: «بایسته است مراکز بزرگ پژوهشی از جمله پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، بخش زیادی از همت خود را صرف تألیف کتاب‌های معتبر مرجع سازد».

دکتر یوسف محمدنژاد، رئیس پژوهشکده زبان و ادبیات، پس از خیر مقدم به حاضران به ذکر شمه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و علمی دکتر محمد معین پرداخت و بهره‌مندی از آموزش سنتی، اشراف بر علوم قدیم و زبان عربی، تسلط به زبان فرانسه، اهتمام به پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، ارتباط تنگاتنگ با دانشمندان از سراسر جهان، تلاش برای ترجمه آثار معاصر جهان، سفرهای متعدد به بسیاری از دانشگاه‌های معتبر جهان، تلاش برای غنای فضای دانشگاهی و تهیه منابع مناسب برای رجوع دانشجویان و... را از ویژگی‌های بارز ایشان دانست.

در ادامه، دکتر ابوالقاسم رادفر، استاد پژوهشکدهٔ زبان و ادبیات، در سخنانی به سیر فرهنگ‌نگاری در شبه قاره هند و نیز ایران پرداخت و با اشاره به مهم‌ترین این فرهنگ‌نامه‌ها، برخی از ویژگی‌های بارز سبکی و کاربردی هریک آنها را برشمرد. وی سپس بر جایگاه ممتاز مرحوم دکتر محمد معین در تدوین لغت‌نامهٔ دهخدا تأکید کرد و به تبیین ارزش‌های علمی و تحقیقی فرهنگ فارسی معین پرداخت.





سپس استاد احمد سمیعی گیلانی به نقل شمه‌ای از زندگینامه دکتر محمد معین و خاطرات شخصی خود از شخصیت ایشان پرداخت. سمیعی در بخشی از سخنان خود گفت: «معین نسل‌های متعددی از دانشجویان را با همین روحیه علمی پرورش داد. محضر درس او خصلت کارگاهی داشت و در آن، هم انتقال معلومات صورت می‌گرفت و هم روش تحقیق آموخته می‌شد. بدین سان، شاگردان معین، تنها با انبانی از محفوظات از درس فارغ نمی‌شدند؛ مهارت پژوهش نیز کسب می‌کردند. وی در همه مراحل تعلیم، نقش استاد راهنما را ایفا می‌کرد و دانشجویان را طی دوران تحصیل، به پژوهش علمی وامی‌داشت. دکتر شهیدی، همکار نزدیک و جانشین او، در اداره لغت نامه همان شیوه او را در تدریس دانشگاهی پیروی می‌کرد. ...»

در ادامه جلسه، نماآهنگی از مصاحبه با تعدادی از نامداران حوزه فرهنگ‌نویسی (استادان دکتر حسن انوری، دکتر سعید نجفی اسداللهی، دکتر رسول شایسته و دکتر رضا مصطفوی سبزواری) پخش شد. شایان گفتن است که این نماآهنگ را کانون خبر و رسانه معاونت فرهنگی اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی به همین مناسبت تهیه کرده و در اختیار پژوهشکده زبان و ادبیات گذارده است.

پس از آن دکتر مهدخت معین، فرزند مرحوم دکتر معین، به شرح احوال و آثار و مهم‌ترین فعالیت‌های علمی-پژوهشی استاد زنده یاد پرداخت. در بخشی از سخنان وی شرح تولد پدر این‌چنین نقل شد: «به تاریخ لیله دوشنبه ۱۷ شهر رجب المرجب ۱۳۳۶ نورچشمی محمدآقا فرزند جناب نورچشم محترم، آقا شیخ ابوالقاسم، به مبارکی متولد شد شش ساعت از شب گذشته. اللهم احفظه و وسع رزقه و طول عمره و عمر والدیه بمحمد و علی و آله الطاهیرین. (یادداشت محمدتقی معین‌العلماء بر پشت قرآن) [...] بعدها در خانواده و در مدرسه، همه جا، محمد را «محمدآقا» صدا می‌زدند در حالی که شاگردان دیگر را به شغل پدرشان می‌نامیدند [...] حتی در بعضی از مدارک تحصیلی از جمله تصدیق ششم ابتدایی، نام ایشان را «محمدآقا» نوشته‌اند. ...»

در پایان جلسه، فیلم مستند «یاد آر، ز شمع مرده یاد آر» ساخته منوچهر مشیری در باب زندگی مرحوم استاد دکتر محمد معین پخش شد.



## فراخوان مقاله مجله علمی - ترویجی «ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای»

به اطلاع می‌رساند؛

مجله علمی تخصصی «ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی تأسیس شده و در حال طیّ مراحل اداری جهت اخذ درجه علمی - ترویجی است. از این رو، از اعضای محترم هیئت علمی و کارشناسان گرامی پژوهشی که دانشجوی دوره دکتری یا دارای مدرک دکتری هستند؛ دعوت می‌شود، مقاله‌های مرتبط با موضوع مجله را از طریق سامانه نشریات پژوهشگاه، مجله ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای ارسال فرمایند.

<http://lir.ihcs.ac.ir/>

برخی از مهم‌ترین محورهای مجله به شرح زیر است:  
- نقد و بررسی پژوهش‌های انجام شده در حوزه ادبیات فارسی و دیگر رشته‌ها

- انتشار مقالات ارزشمند در حوزه ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای  
- ارتباط ادبیات با رشته‌هایی همچون زبان‌شناسی، زبان و ادبیات عربی، زبان و ادبیات انگلیسی، زبان و ادبیات فرانسوی، تاریخ، علوم اجتماعی، فلسفه و...

- آسیب‌شناسی رویکردهای پژوهشی ادبیات و مطالعات میان‌رشته‌ای  
- روش تحقیق در مطالعات ادبیات و پژوهش‌های میان‌رشته‌ای  
- بومی‌سازی نظریه‌های مطرح در ارتباط با ادبیات و سایر رشته‌ها



## گزارش جلسه دفاعیه غزاله حجتی (دانشجوی دکتری فلسفه دین)

تاریخ برگزاری: ۱۶/۰۴/۱۳۹۷

موضوع: معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر در باور دینی: مصالحه‌گرایان در برابر نامصلحه

استاد راهنما: دکتر محمود مروارید

استادان مشاور: دکتر محسن زمانی، دکتر زهرا مبلغ

استادان داور: دکتر پگاه مصلح، دکتر رضا اکبری، دکتر ابراهیم آزادگان

این جلسه روز شنبه ۱۶/۰۴/۹۷ ساعت ۱۵:۰۰ با حضور هیأت داوران و جمعی از دانشجویان فلسفه دین و برخی از اساتید دانشگاه‌های تهران در سالن دفاعیه مدیریت تحصیلات تکمیلی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی (ساختمان کریمخان) برگزار گردید.

دانشجو در مدت بیست دقیقه به دفاع از رساله خویش پرداخت. ابتدا مسأله پژوهش را طرح نمود و گفت: «این پژوهش به تحلیل و بررسی نتایج معرفت‌شناختی مترتب بر اختلاف‌نظر تمرکز دارد. او مسئله معرفت‌شناختی اختلاف‌نظر را که موسوم به چالش اختلاف‌نظر است این طور تقریر کرد: فرض کنید که شما مجموعه‌ای از شواهد را در اختیار دارید. پس از بررسی دقیق این شواهد به این نتیجه می‌رسید که آن شواهد مؤید گزاره‌ $p$  هستند (بنابراین باور می‌کنید که  $p$ ). سپس آگاه می‌شوید که شخص دیگری، که او را همتای معرفتی خود به شمار می‌آورید با داشتن همان شواهد  $p$  را پذیرفته است و به آن باور دارد. (منظور از همتای معرفتی کسی است که وزن شواهدش با وزن شواهد من برابر باشد. تنها در مواقعی می‌توان از اختلاف‌نظر معقول سخن گفت که این مسئله بین دو همتا اختلاف‌نظری به وجود آید. در اینجا اموری نظیر هوش، استعداد، تحصیلات، توانایی‌های شناختی، دانش زمینه‌ای و شواهد روی‌هم‌رفته مجموعه‌ای را فراهم می‌کند که اصطلاحاً به مجموع آن‌ها عنوان «شواهد» را اطلاق می‌کنیم. در تعیین همتایی معرفتی هم‌وزن بودن این شواهد در دو طرف یک اختلاف‌نظر، محل توجه قرار می‌گیرد و اساساً تنها زمانی اختلاف‌نظری ارزش بررسی معرفتی دارد که دو طرف آن اختلاف دیگری را هم شأن و هم تراز معرفتی خود بدانند). مسئله معرفتی اصلی این است که آگاهی از این «اختلاف‌نظر» (از نظر معرفتی)، چه تأثیری بر توجیه باور  $p$  خواهد گذاشت؟ پس از آگاهی از چنین «اختلاف‌نظری»، رویکرد ناظر به باور موجه نسبت به  $p$ ، چه خواهد بود؟ یا به عبارت دیگر، پس از بروز اختلاف‌نظر «واکنش معرفتی معقول و موجه چه خواهد بود؟».

سپس دانشجو به بیان پرسش‌های اصلی‌ای پرداخت که موضوع «اختلاف‌نظر» حول آنها می‌گردد: «آیا پس از بروز اختلاف‌نظر با دیگرانی که همتای معرفتی ما هستند، می‌توانیم به نحو معقول و موجهی دیدگاه خود را هم‌چنان حفظ کنیم؟»، «ویژگی‌های اختلاف‌نظر معقول چیست و چه هنگام می‌توان اختلاف‌نظر را معقول دانست؟»، و «آیا بروز اختلاف‌نظرها ناقضی برای توجیهات ما محسوب می‌شود؟».

او تصریح کرد که اختلاف نظر در دو مرحله رخ می‌دهد و می‌توان این دو را از هم تفکیک کرد. (۱) مرحله ایزوله: در این مرحله، فرد فقط با باور خودش به  $p$  مواجه است و چون باور او در این مرحله کاملاً بر مجموعه شواهدی مبتنی است که از آنها صدق  $p$  را نتیجه گرفته است، آن فرد در باور خود کاملاً موجه است. (۲) مرحله افشای کامل: در این مرحله دو طرف اختلاف نظر، از دیدگاه طرف مقابل خود نسبت به موضوع یکسانی آگاه و از شواهد یکدیگر مطلع می‌شوند و متوجه می‌شوند که با وجود یکسانی در شواهد یکی از آنها به  $p$  معتقد است و دیگری با همان شواهد به  $p$ . پرسش اصلی معرفت‌شناسی اختلاف نظر، یعنی «امکان موجه بودن باورهای افراد»، در این مرحله مطرح می‌شود.

دانشجو در قسمت پایانی گزارشش به این اشاره کرد که پس از بروز اختلاف‌نظرهای معرفتی در حوزه‌های مختلف اندیشه، اصلی‌ترین مسئله این خواهد بود که رویکرد معرفت‌شناسانه معقول به این اختلاف‌نظرها چیست. دو رویکرد اصلی به این موضوع وجود دارد: «مصالحه‌گرایی» و «نامصالحه‌گرایی». رویکرد مصالحه‌گرایان در مواجهه با اختلاف نظر معقول، تعلیق باور است. آنان معتقدند که دو طرف اختلاف باید موضع‌شان را آن قدر به هم نزدیک کنند تا اختلاف نظر از بین برود. فلدمن، کریستنسن و الگا از جمله افرادی هستند که به این موضع معتقدند و در این پژوهش به دیدگاه آنها خواهیم پرداخت. اما رویکرد نامصالحه‌گرایان به کلی متفاوت از مصالحه‌گرایان است. از نظر نامصالحه‌گرایان اگرچه بروز اختلاف نظر بین‌ای علیه باور اولیه ماست، اما نمی‌تواند توجیه باور ما را در همه زمینه‌ها تضعیف کند. پیتر ون اینوگن، آلستون و کلی سه متفکر اصلی از معتقدان به این رویکرد هستند.

دانشجو سپس درباره اختلاف‌نظرهای دینی صحبت کرد و پس از معرفی موارد روشنی از آنها و با تمرکز بر تکرر ادیان به واکاوی بیشتر در اختلاف‌نظرهای دینی پرداخت و تمام مباحث قبل را با تأکید بر باورهای دینی بررسی کرد. و در پایان کوشید تا با دفاع از موضع مصالحه‌گرایی تعدیل شده راه‌حلی برای اختلاف‌نظرهای دینی ارائه کند که براساس آن مؤمنان و ملحدان هر یک به نحو موجهی می‌توانند بر باورهای خود استوار بمانند و از تهدید شک‌گرایی رها شوند.

رساله در یک مقدمه، سه بخش و یک مؤخره سامان یافته است:

در مقدمه به بیان کلیات پژوهش، توضیح و تعریف اصطلاحات و بررسی ادبیات موضوع می‌پردازد.

بخش اول: در این بخش به تشریح مفاهیم، معرفی اصطلاحات اصلی بحث، معرفی جغرافیای بحث و تدقیق بیشتر موضوع پرداخته است. این فصل به بیان مقدمات مهمی اختصاص داده شده است که برای پیش بردن مباحث مطرح رساله به آنها نیاز است.

بخش دوم: در این فصل با استفاده از مفاهیم عام معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر به بررسی بیشتر موضوع پرداخته شده است و تلاش شده است که مسئله روشن‌تر شود، جنبه‌های چالش‌برانگیز بودن اختلاف‌نظر از نظر معرفتی نشان داده شود، گرایش‌ها و رویکردهای باوری اصلی نسبت به مسئله اختلاف‌نظر معرفی شود و استدلال‌های مصالحه‌گرایان و نامصالحه‌گرایان را بررسی می‌شود.

بخش سوم: در فصل سوم رساله که نقطه اوج پژوهش حاضر است مباحث پیرامون مسئله اختلاف‌نظر دینی می‌گردد. در ابتدای این فصل به پیشینه‌ای از بحث تنوع ادیان در فلسفه دین اشاره شده است تا به پیوند مباحث معرفت‌شناختی جدید با مباحث قدیمی‌تر برقرار شود. سپس با ذکر مباحثی نظیر مسئله صلاحیت‌های معرفتی دینی یا جنس شواهد دینی وارد عمق اختلافات موجود در ادیان شده است.



در پایان این فصل با ذکر روایت تعدیل شده‌ای از دیدگاه مصالحه‌گرایی به دفاع از رویکرد باوری مصالحه‌گرایی در قبال اختلاف‌نظرهای دینی پرداخته شده است و نشان داده شده که چطور با اتخاذ این رویکرد، مؤمنان می‌توانند پس از مواجهه با اختلاف‌نظر، ضمن اینکه برای اختلاف‌نظر ارزش معرفتی نقض‌کنندگی قائل‌اند، همچنان بر باور مؤمنانه خود استوار بمانند و در این کار موجه نیز باشند.

مؤخره: در فصل آخر، فصل نتیجه‌گیری، نیز نشان داده شده است که از نظر نگارنده رأی مصالحه‌گرایی تعدیل‌شده در زمینه اختلاف‌نظرهای دینی، پاسخ بدیع و قابل قبولی است که راهی بر چالش موجود می‌گشاید.

پس از خطابه دانشجوی، استادان داور به بیان نظرات خویش پرداختند:

نخست دکتر رضا اکبری استاد داور مدعو دیدگاه خود را درباره رساله بیان کرد. وی ضمن بیان محاسن رساله از جمله نوآوری در موضوع رساله، کثرت منابع دیده شده، نگارش عالی و بدون نواقص ویرایشی و دقت و شیوایی طرح مباحث، برخی پیشنهادات را برای بهتر شده رساله متذکر شد:

۱. در خصوص بسیاری از اصطلاحات اختلاف‌نظر وجود دارد، بهتر است بعضی جاها تعیین مراد کنید.

۲. از به کار بردن قیدهای اطلاق پرهیزید.

۳. در مقدمه روش کار را بیشتر توضیح دهید. این باعث می‌شود که بتوانید برخی از توضیحات را کوتاه‌تر کنید.

۴. ابتدای فصل سوم روش‌شناسی بحث را دوباره ذکر کنید.

۵. نتیجه کمی مختصر است، بهتر است سؤال‌ها و بصیرت‌های جدیدی را اضافه کنید.

سپس دکتر پگاه مصلح، استاد داور داخلی به بیان نظرات خود درباره فلسفه تحلیلی به طور کلی پرداخت. از نظر وی رساله ابتکاری و نو است، نظم منطقی خوبی دارد، جذاب و خواندنی است و نویسنده در آن حضور جدی دارد و از منابعی متنوع برخوردار است؛ اما با این وجود کلاً فلسفه تحلیلی دچار نواقص جدی است. دکتر مصلح در ادامه به بیان دیدگاه‌های خود درباره فلسفه تحلیلی پرداخت و در پایان تصریح کرد که این صحبت‌ها ربطی به این رساله ندارد.

سپس دکتر مریم زهرا مبلغ، مشاور دوم رساله، به بیان نظریات خویش پرداخت. وی نیز با بیان اینکه رساله از نظر نگارشی بسیار خوب نوشته شده است و کثرت منابع مورد مطالعه در آن مشهود است و نظم منطقی خوبی دارد. به بیان دیدگاه‌ها و نظرات خود درباره فلسفه تحلیلی پرداخت و اذعان داشت که این نکات مستقیماً ربطی به این جلسه و این رساله ندارد.

سپس دکتر ابراهیم آزادگان، داور مدعو دیگر به بیان یک اشکال پرداخت: «براساس موضع مصالحه‌گرایی تعدیل شده در اختلاف‌نظرهای دینی معیارهای مورد استفاده مؤمنان غیراستاندارد است و طرفین می‌توانند با تکیه بر این معیارها به نحو موجهی بر باور خود استوار بمانند. در این حالت اگر این را بپذیریم تلقی‌های تندروانه دینی نظیر قرائت داعش از اسلام نیز مجاز می‌شود و استوار ماندن بر باور برای اینها نیز معقول است».

پس از بیان نظرات استادان داور، دانشجوی در مورد برخی از پیشنهادات مطرح شده، پیشنهادها را مفید دانست و گفت که در نسخه نهایی آنها را اعمال می‌کند. در پاسخ به تنها اشکال مطرح شده که دکتر آزادگان مطرح کرد، اظهار داشت: «درست است که پیتارد قبول دارد که در مواردی، اختلاف نظر نمی‌تواند نقش ناقض را بازی کند، ولی این اصلاً بدان معنا نیست که هر قرائتی از دین اسلام یا هر دین دیگری معقول موجه است. من ربطی بین این دو نمی‌بینم».

به دیگر سخن، نظریه پیتارد دیدگاهی درباره اهمیت معرفت‌شناسی اختلاف نظر است؛ یعنی صرفاً درباره این بحث می‌کند کی اختلاف نظر ناقض است و کی نیست، و سپس نتیجه می‌گیرد دامنه ناقض بودن اختلاف نظر محدودتر از آنی است که مصالحه‌گرایان کلاسیک قائل بودند. ولی دیدگاه پیتارد به هیچ وجه ناظر به این مسئله نیست که آیا قرائت‌های مختلف از ادیان در وهله اول (با صرف نظر از اختلاف نظر) موجه هستند یا خیر. اصلاً مسئله‌اش این نیست. لذا ممکن است که دیدگاه پیتارد صحیح باشد، و در عین حال قرائت داعش اصلاً از همان ابتدا (و با صرف نظر از اختلاف نظر) موجه نباشد، مثلاً به این دلیل که به شواهد موجود توجه نداشته است و یا به هر دلیل دیگری. این مطلب را می‌توان با توسل به تفکیک میان «باور معقول» و «واکنش معقول» (که در ص ۴۴ رساله آورده‌اید) نیز توضیح داد. حد اکثر چیزی که شاید بتوان پذیرفت این است که طبق دیدگاه پیتارد، «واکنش معقول» یک داعشی به اختلاف نظر، حفظ باور اولیه است (در پراتنز بگویم که همین هم معلوم نیست درست باشد. چون در هر حال پیتارد هم شرایطی را برای معقول بودن واکنش حفظ باور مطرح می‌کند که چه بسا در مورد داعشی برآورده نشود). اما حتی اگر این را نیز بپذیریم، از آن نتیجه نمی‌شود که باور داعشی معقول است. چه بسا باور او از ابتدا هم معقول نبوده است».

در پایان هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشستند و با اعطای نمره ۱۹ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته فلسفه دین تشخیص دادند.

## گزارش جلسه دفاعیه امیر محمدی (دانشجوی دکتری تاریخ علم دوره اسلامی)

تاریخ برگزاری: ۲۷/۰۴/۱۳۹۷

موضوع: برآمدن و تطور آموزش پزشکی مدرن در ایران (از دارالفنون تا عصر حاضر)

استاد راهنما: دکتر علیرضا منجمی

استادان مشاور: دکتر غلامحسین مقدم حیدری، دکتر مینو یغمایی

استادان داور: دکتر مهدی معین زاده، دکتر حمیدرضا نمازی، دکتر سلیمان احمدی

این جلسه در تاریخ ۲۷/۰۴/۹۷، ساعت ۱۴:۰۰ با حضور هیأت داوران رساله و تعدادی از دانشجویان و مدعوین در سالن دانش ساختمان تحصیلات تکمیلی برگزار گردید.

در ابتدای جلسه دفاعیه، دانشجو در ۳۵ دقیقه به ارائه رساله پرداخت. وی ضمن معرفی موضوع رساله، پرسش اصلی، ابهامات، فرضیه‌ها و تشریح بیان مسأله به ضرورت بنیادی پژوهش مورد نظر و نتایج آن پرداخت. سپس دانشجو با ارائه تقسیم‌بندی پژوهش در سایه ادوار تاریخی (آموزش پزشکی در دوره قاجار و دارالفنون تا افتتاح دانشکده طب، آموزش پزشکی در دوره پهلوی و دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تا عصر حاضر)، به توصیف، تبیین و ارائه طرح الگوبندی مسأله مورد نظر پرداخت.

دانشجو با رصد تاریخی همه جانبه، عنوان نمودند که در دوره قاجار، آموزش پزشکی مدرن در تقابل با طب سنتی به هویت مستقل رسید و با احتیاط و بتدریج به حیات خود ادامه داد، ارکان پزشکی مدرن در این دوره



(استاد، دانشجو، مردم و حاکمیت قاجاری)، در تعاملی سه‌جانبه و نانوشته به سر می‌بردند. آموزش پزشکی مدرن در دوره پهلوی اول با عبور از ساختار دولت مدرن به فضای آکادمیک راه یافت، در دوره پهلوی دوم آموزش پزشکی به‌عنوان یک مسأله مطرح گردید، مسأله‌ای که اصلاح آن می‌توانست نظام سلامت عمومی را تحت تأثیر قرار دهد، ضمناً در این دوره (پهلوی دوم)، آموزش پزشکی در مقام امری جهانی و بین‌المللی، بر ارکان و ساختارهای خود در ایران سایه افکند و دانشکده‌های پزشکی در اوایل دهه پنجاه شمسی متأثر از سیاست‌های کلان آمریکا و اصول ترومن دچار تحول و تغییر شدند.

سپس نامبرده با دنبال کردن این مسأله در یک روند متداوم تاریخی، به مسائل و جریانات حاکم بر آن در دوره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پرداخت و اشاره نمود که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، آموزش پزشکی بعنوان امری مسأله‌دار و چالشی در ساختاری جدید و منحصر به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی جای گرفت، و در طرحی کلان به نام «ادغام آموزش پزشکی در نظام ارائه خدمات»، از وزارت علوم جدا و به وزارتخانه جدید الحاق گردید، آموزش پزشکی مدرن در دهه شصت شمسی، اهداف کمی را محقق کرد، رویکر کلی و غالب در دو دهه بعد، ارتقای نظام کیفی نظام آموزش پزشکی بود؛ ادغام آموزش پزشکی اگرچه توانست مشکل کمبود پزشک را برای همیشه حل کند و لیکن در تحقق بسیاری دیگر از اهداف خویش ناکام ماند، و امروزه آموزش پزشکی به‌عنوان مسأله‌ای مناقشه برانگیز و چالشی کماکان به سوی تحول گام برمی‌دارد. دانشجو در پایان با ارائه نتایج کلی به مهم‌ترین چالش‌های حاکم بر نظام آموزش پزشکی پرداخت و متذکر گردید که به‌طور کلی، نبود تفکری سیستمی و جامع در کنار فقدان ذهنیتی تاریخی و منسجم به مسأله آموزش پزشکی، از عوامل اصلی نارسایی و رکود در این حوزه به‌شمار می‌آیند. بعد از ارائه دانشجو، هیأت داوران به بیان نظریات خود پرداختند.

بعد از توضیحات دانشجو، ابتدا دکتر سلیمان احمدی یکی از استادان مدعو داور ضمن تقدیر از ارائه منسجم، منطقی و جذاب توسط دانشجو، به اهمیت موضوع و زنده بودن آن در مقام امری اجتماعی و فرهنگی اشاره کرد، سپس با طرح این مسأله که در رساله کمتر از چارچوبهای اصلی روش متد «تحقیق تاریخی» بهره گرفته شده است، متذکر شد که رساله از لحاظ چارچوب ساختاری در قالبی منطقی و صحیح شکل گرفته ولیکن می‌توان با بهره‌گیری بیشتر از اصول تحقیق تاریخی و اصلاح مواد زمینه‌ای فصل آخر آن، به اثری جامع و علمی دست یافت. سپس دکتر حمید رضا نمازی از دیگر استادان داور مدعو، با ابراز خرسندی از نگارش این اثر بدیع و ارائه مناسب توسط دانشجو؛ بیان داشتند که این رساله شایسته تبدیل شدن به یک اثر تاریخی (کتاب) ماندگار را با شرایطی داراست، از جمله شروطی که وی اشاره نمود، یکی پرداختن بیشتر به دیگر جوانب مسأله تقابل آموزش پزشکی مدرن با طب سنتی در دوره قاجار، و دیگری تغییر تعدادی از عناوین و اصلاح بعضی نکات تاریخی بود. در ادامه دکتر معین زاده داور داخلی رساله متذکر شد که به‌طور کلی در رسالات تاریخ علم دوره اسلامی، نظریه پردازی ضعیف بوده و شایسته است که این دانشجویان به این موضوع توجه بیشتری نشان دهند. سپس دکتر مقدم حیدری مشاور اول رساله با ارائه پیشنهاداتی در حوزه روش‌ها و متد تحقیق، دانشجو را به اصلاح موارد یاد شده توصیه اکید نمود. در پایان دکتر منجمی استاد راهنمای رساله با تشریح ضرورت بنیادی این پژوهش به موارد قوت تحقیق اشاره و اضافه کرد که پژوهشگر با رصد الگوهای حاکم به یک نوع تداوم عینی و پویا از مسأله موردنظر در تاریخ دست یافته و زمینه‌های اصلاح و تحول را به روشنی تبیین نموده است. بعد از ارائه نظرات و پیشنهادات اساتید، دانشجو در ده دقیقه به نکات و ایرادات مطرح شده هیأت داوران پاسخ داد.

در پایان، هیأت داوران و اساتید راهنما و مشاور به شور نشستند و با اعطای نمره ۱۹ و درجه عالی به رساله دانشجو، وی را دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته تاریخ علم دوره اسلامی تشخیص دادند.

سلسله همایش‌های نقد متون تاریخی  
همایش بین‌المللی  
نسخ خطی فارسی  
به مثابه میراث جهانی

محررهای همایش

- بایسته‌های احیای نسخ
- مباحث نظری و مفهومی تصحیح نسخ
- سیر تکوین و تحول روش‌های تصحیح نسخ
- بررسی انتقادی شیوه‌های تصحیح نسخ
- سنت‌های علمی مصححان
- بررسی انتقادی متن‌های تصحیح شده
- دانش و آموزش تصحیح نسخ

مقاله‌های برگزیده در مجله علمی- پژوهشی منتشر خواهد شد.  
زبان همایش: به فارسی و انگلیسی (همراه با مترجم)

دبیر خانه همایش:  
تهران، بزرگراه کردستان، خیابان دکتر آئینه‌وند (۶۴ غربی)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
گروه تاریخ شورای بررسی متون و کتب علوم انسانی، پژوهشگاه علوم تاریخی  
ایمیل دبیر خانه: [cht@ihcs.ac.ir](mailto:cht@ihcs.ac.ir)

مدیر مسئول: سیدمحسن علوی پور

سر دبیر: حوریه احدی

هیأت تحریریه: محسن باباخانی، شهرام اصغری و سعیده زندی

[ravabet1@ihcs.ac.ir](mailto:ravabet1@ihcs.ac.ir)

[www.ihcs.ac.ir](http://www.ihcs.ac.ir)

کانال سروش: @pajoheshgah